

فرانسیس فرانسیس فرانسیس فرانسیس

۱- بحث روز معماری ایرانی یا معماری فرنگی

مدتهاست که کارهای فرنگی، جنس‌های فرنگی و متدهای فرنگی برای ایرانیان بعنوان الگویی ارزشمند شده است. تابحال چندین بار با گوش خارجی نیست و ایرانیست! امروزه گفته‌اند «این خوب نیست چون خارجی نیست و ایرانیست!» امروزه برای اینکه سعی کنیم که از لحاظ صنعت و اقتصاد به غربیها برسیم با بی‌ذوقی کامل طرحها و روشهای آنها را هم بعنوان یک سابل ترقی، گورکورانه تقلید میکنیم.

اما هنوز چندینفری در دنیای هنر و معماری هستند که بازگشت بهروش ایرانی را ترجیح میدهند که غرب‌گردی را مترود میدانند، که حالت «اورزانس» در مبارزه با تقلید از فرنگی را توصیه میکنند، که ادعا میکنند اصلاً زندگی فرنگی، هند و روش فرنگی برای ایران غلط است، که امروز هر کس بخواهد خود را در این مبارزات شریک بداند و از این گروه عقب نیفتد، باید کلماتی از قبیل طرح ایرانی برای زندگی ایرانی، برای زندگی ایرانی چیست؟ آیا منظور ایده‌ایست که این طرح ایرانی برای زندگی ایرانی چیست؟ آیا منظور ایده‌ایست که مادر گذشته داشته‌ایم و امروز باید به آن برگردیم؟ آیا منظور کاشیکاری‌های دوره صفویه اصفهان است که توپستها ما را به آن میشناسند؟ آیا طرح و استیل و روش معماری چیزی بوده است که فقط در قرون گذشته در نمایانی که امروز ما آنها را بسیار زیبا مینامیم وجود داشته است.

و آیا شاید هم آنها که از طریحهای ایرانی صحبت میکنند طرح‌های تخت‌جمشید را در نظر دارند؟ آیا اگر به گذشته پر افتخار بناهای قدیم ایران که بیش از دو هزار سال پیش ساخته شده است نگاه کنیم طرح حقیقی ایرانی را در آنجا پیدا میکنیم یا اینکه طرح اصیل ایرانی را در جای دیگر میتوان پیدا کرد. نه آنجا که ستونهای یلندر مرمرین و دیوارهای ضخیم و شهری باعظامت وجود داشته است، بلکه در جایی کوچکتر و بی‌اهمیت‌تر، در دهکده‌های ایران. آیا وقتی ما به این معماری دهکده‌ها نگاه میکنیم برای انتخاب الگوی خود به معماری کوهای‌ها با پشت‌بامهای سطح آن نگاه کنیم و یا اینکه گندلهای دهکده‌های کنار کویر را انتخاب کنیم؛ کنکره‌جهانی معماری که دو سال قبل در اصفهان تشکیل شد با گنفرانهای و بحثهای طولانی خود درباره معماری باستانی ایران یا استیلهایی که به عنوان سابل این معماری را به ما می‌شناشاند، بچانی نرسید و حتی در این کنکره که مفتش‌های منتظر و هنرمندان معمار جمع شده بودند ما جواب قاطعی برای آنچه که در بی‌آن میکشیم پیدا نکردیم.

پس حالا که معماری ایرانی محدود بکپیه‌کردن از روی آنچه در گذشته وجود داشته است نیست. شاید ما بتوانیم آنرا به نحو دیگری شرح بدهیم شاید بتوانیم بگوئیم معماری ایرانی، معماری است که جواب‌گوی موقعیت اقلیمی این کشور و نوع زندگی مردم آن است.

ولی ناگهان ما با مشوال بزرگی روی روی میشویم و آن این است که این نوع زندگی ایرانی چیست؟ شما وقتی این موضوع را باهرکس در پیش میکشید سرش را به عالم دانایی کامل تکان میدهد ولی وقتی از او پرسید که برایتان شرح بدده در جواب آن باز میماند.

معنی زندگی ایرانی بدون شک بیش از یک نوع توالی مخصوص یا یک بالکن در هر آیارتمان میباشد. زندگی ایرانی یک نوع رابطه است با طبیعت، یک نوع احساساتی است که در مقابل فضاهای معینی بوجود می‌آید، ارزشی است برای حریم و حفاظت، و رسوم و آدابی است که در زندگی خانوادگی اصیل ایرانی وجود دارد. ما بدون شک میتوانیم خیلی بیشتر به آداب و رسوم و طرز زندگی ایرانی پی ببریم اگر آثار شاعران و فلاسفه گذشته خودمان را مطالعه کنیم، تا اینکه به آثار معماری قدیم خود نگاه کنیم. و در آنجاست که ما میتوانیم بینینم چطور نوع و روش زندگی ایرانی از فرهنگ و ادب ایرانی بوجود آمده است.

بنابراین این رابطه نزدیک بین فرهنگ و طرز زندگی و معماری است که مارا وادر می‌کند که برای روشها و مسائل معماري ایرانی را حلهاي ايراني پيدا کنیم. وقتی که معماري غربي به خاطر مدرن بودن و پيشرفت وسائل معماري کورکورانه تقلید می‌شود، با جاي دادن زندگی ايرانی در معماري غربي مجبور خواهيم شد که راهها و متدهای زندگی غربي را دنبال کنیم. درست است که تقلید از معماري فرنگي کار درستی نیست، البته بهمان اندازه هم کمیه از معماري باستانی غلط است. درست همانطور که معماري دوران صفویه به خاطر راه و روش زندگی آنروز با معماري دوره خاخامنشيان كاملاً متفاوت است؛ معماري امروز ايران نيز باید با راه و روش واحتیاجات طرز زندگی امروز ایرانی مطابقت داشته باشد.

المبهه در معماري باستانی ايران موردهای بسياري هستند که میتوانند الهام بخش طرحهای امروز باشند. نهادها و فرمهاي که برای مقابله با آفاتابهای سوزان تا باستانی ساخته شده‌اند، رنگهایی که محیط زیست روح انتکیزی را درکنار کویرهای خشک و لسمیز رع بوجود آورده‌اند، نقش و نگارهای خوشمنظره که سطحهای صافرا می‌پوشانند و روشهای تهیه هوا که گوچکترین نسیمی را از خارج به داخل می‌آوردند... اينها و صدھا موارد دیگر هستند که همیا بست به تعیق مطالعه و درک شوند تا الهم بخش مادر بوجود آوردن معماري امروز باشند. بسيار اتفاق افتاده است که برای اينکه گذشته خود را دوباره زندگی کنیم، گذشته را از چشم توريست‌ها دیده‌ایم و دردامن افتاده‌ایم که خودمان برای خودمان ساخته‌ایم. خودرا از يك طرف با کارهای از قبيل هتل شاه عباس اصفهان که بقول راهنمای توريستی «محیط يك معماري حقيقی و اصیل ایرانی را دارد» مصور گرده و از طرف دیگر بانياهای مثل هتل هیلتون تهران با استیل سردرگم بین المللی که فقط برای خارجیها ساخته شده است تا خود را در محیط خانه و وطن خود حس کنند محدود بینینم، المبهه هردوی این نمونه‌ها در جای خود ارزش و قیمت خاصی را دارند که هم به تنهای خاطراتی را راضی می‌کنند وهم اينکه صنایع توريستی را بالا می‌برند. اما تردیدی نیست که ما نمیتوانیم هیچکدام از این دو را عنوان المقوی برای معماري خود بکار ببریم. چه آنچه باصطلاح معماري باستانی ما را زنده میکند و چه آنچه در همه‌جای دنیا ساخته می‌شود.

آیا روش و متدهای ایرانی را درکدام نقطه ویا منطقه‌ای میتوانیم پیدا کنیم؟ نزدیکترین چیزی که می‌توانیم به آن اشاره کنیم و آنرا به عنوان يك هنر مدرن که بدت صنعتکران ایرانی تغییر داده شده، بحساب بیاوریم در راهی آهنه است که در همه‌جای شهرهای خودمان می‌بینیم. المبهه صحیح است که در راهی آهنه در اصل کیهای از کارهای اروپائی است ولی نقش و نگارها و استیلهایی که بدون شک اروپائی نیستند در هزاران در به انواع متفاوت به کار بردند که زاده فکر و روح يك عدد صنعتکار ایرانی است که تغییری از استیلهای مدرن را بوجود آورده‌اند.

شاید به خاطر اينکه این صنعتکاران تحصیلکرده و آشنا باهنر های چهانی نبوده‌اند توائیت‌های تعبیری از استیلهای به اصطلاح مدرن ایرانی بکنند (هر چقدر هم که این کار کوچک و ناچیز به نظر برسد) در حالیکه هنرمندان و معماران تحصیلکرده و آشنا به هنر های مدرن غربی بپیشتر اتفاق می‌افتد که کمیه بکنند تا تعبیر. المبهه شاید انصاف نباشد که گروههای تحصیلکرده و آشنا به دنیای جدید را در مقایسه با افراد ساده طبقه متوسط مقصص دانسته و با ارزش کنیم به خاطر اينکه درست همین گروههای ساده طبقه متوسط و تازه بدوران رسیده هاستند که کورکورانه از غرب تقلید می‌کنند اين‌ها هستند که بپیشتر نصور می‌کنند چون قوه خریدشان بالا رفته است و یا چون صنایع از غرب به اینجا می‌آید، تقلید لباس، هنر و معماري و همه‌چیز دیگر از غرب نشانه ترقی است.

اگر پخواهیم بدانیم که از لحاظ معماري این موضوع چه

تأثیراتی را به وجود آورده است گافیست که نگاهی به خانه‌ها و آثار تماشی های بناساز و باصطلاح مدرن بیندازیم، که دھها نوع مصالح ساخته‌مانی گرفتاریت را بنام مدرن بودن در روی آن بکار برده‌اند در حالیکه نقشه و فضاهای داخلی و محیط‌هایی که برای زندگی در آنها تعییه شده است اکثر آن را زشت و غیرقابل استفاده است.

مسئله و مشکل بزرگ از همین جا شروع می‌شود که وقتی شهر های بزرگ مثل تهران از این متد به اصطلاح مدرن غربی استفاده می‌کنند، شهرهای کوچک نیز کورکورانه و به حالت دست دوم از این استیلهای کمیه می‌کنند تا اشان بدهند که آنها نیز در این پیشرفت و ترقی عقب نیافتدند. و قبل از اینکه همچو بشویم این داستان اسفانگیز از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچکتر و کمی بعد نیز به دهکده‌های ما که آخرین بنام سانده معماري اصیل و دست نخستورده ایران هستند نفوذ خواهد کرد.

المبهه مدرن بودن و مترقی بودن کلمات زشتی نیستند، ها نیز باید همگام با دنیای معماري روز خودمان مترقی و مدرن باشیم و جلو برویم ولی به خاطر اینکه بتوانیم معماري مدرن ایرانی را به وجود بیاوریم باید به گذشته خود نگاه کنیم، باید هنر و معماري و ادبیات گذشته خود را با عمق زياد مطالعه کنیم تا کارهای جدید خود را بر روی منطق و الهام از آنچه که بوده است و آنچه که امروز لازم و منطقی است بوجود بیاوریم.

چقدر خوب می‌شود که افلا برای یکبار هم که شده دیگران معماري مدرن هارا تقلید می‌کرند.

بحث روز... نقش آرشیتکت در ایران

بحث روز.... نقش آرشیتکت در ایران

این حقیقتاً وظیفه هاست که کارفرمایان را روش کنیم که چطور کارهایشان را بر عکس و بر اساس فرضیات غلطی شروع می‌کنند. با به عنوان مثال کارفرمایی را در نظر بگیرید که میخواهد دریک ضرب الاجل نقشه‌اش کشیده شده و اجاره ساختمان برایش گرفته شود! برای این شخص تنها جزئی که می‌تواند مفهوم و معنی داشته باشد آن است که در روی زمینش بی‌های ساختمان را بگشته و هر قدر که عملیات ساختمانی اش جلوتر میرود تازه متوجه می‌شود که درباره بنای خودش عاجز بوده است. میدانسته و چقدر از درک ساختمان تمام شده خودش عاجز بوده است. به همین مناسبت هر چقدر کارجلو ترمی رود، او پیشتر به طرح و نقشه وارد می‌شود، و دلخواهانه و بی‌منطق قسمت‌های مختلف را آغاز فکر می‌کرد تمام شده است و چقدر بیش از آنکه فکر می‌کرد طول کشیده است.

اگر ما حقیقتاً میخواهیم که پروژه‌ایمان موفق باشند، چاره‌ای جز این نیست که کارفرمای را روش و در بعضی اوقات نیز تربیت کنیم و به آنها نشان بدهیم که هر چقدر وقت و دقت بیشتری در موقع طرح و تهیه نقشه بر روی پروژه بگذارند و هر چقدر بدهاشتن بر نامه صحیح و نقشه‌ای صحیح بیشتر دقت کنند، نه تنها مصالح ساختمانیشان را ارزانتر و بهتر و زودتر میتوانند تهیه کنند، بلکه بر نامه کارشناس زودتر و با قیمت کمتری پایان خواهید یافت و ما آرشیتکتها نیز خود با درست‌گردن کنترل منطقی طرح و اجراء میتوانیم خود را به حق معمار بخوانیم که به آن عنوان شناخته شده‌ایم.

نقش آرشیتکت و دولت

رابطه یک آرشیتکت با دولت در دو مورد قابل بحث است، اول آنکه آرشیتکتی که به عنوان مهندس مشاور در بخش خصوصی کارهایی را برای دولت انجام می‌دهد و دوم معماری که مستقیماً به عنوان کارمند دولت کار می‌کند.

مسئله بسیار بزرگی حرفه معماری را در خطر انداخته است و آن هم بوجود آمدن کارهای قوی و بزرگ در دستگاههای دولتی و شهرداریها و بادارات وابسته به آنهاست. بوجود آمدن این کارهای قوی، مهندسین مشاور کسوچک را یک بیک ازبین میبرد وغیر از چند دفتر مهندسی مشاور بزرگ امکان رقابت را در حرفه معماری غیر ممکن مینماید. در عین حال که ما دخالت دولت را به عنوان سرپرست در پروژه‌ای دولتی ضروری و لازم میدانیم به همان انداده نیز فکر می‌کنیم که دولت باید مانند دیگر بر نامه‌های خود که مشوق بخش‌های خصوصی بوده است، کارهای معماری و ساختهای خود را به معماران و مهندسین مشاور واگذار کند. طرحهای و پروژه‌ها بدون شک وقتی می‌توانند بهتر و موفق‌تر اجرا شوند که از کارهای فورمالیته دولتی به بخش‌های خصوصی واگذار شوند.

امروزه در تمام دنیا نشان داده شده است که کارهای معماری که بست ادارات دولتی انجام شده است کارهایی در سطح متوسط و یا پائین بوده است. و امروز که کشور مابا گامهای بلند به جلو میرود و پروژه‌های بسیاری توسط دولت انجام می‌آید، بدون شک دولت نمی‌تواند از این قانون و استاندارد بین‌المللی متناسب باشد. دولت در کشور ما عنوان بزرگترین کارفرمای را چه از لحاظ پروژه‌های عظیم و چه از لحاظ کیفیت و مقدار کار دارد و هم‌چنانکه در صنایع گذشته از اینکه مشوق و بوجود

مدده است که نقش آرشیتکت چه در دستگاههای دولتی و چه در بخش‌های خصوصی بیشتر شبیه یک پادو بوده است که از ترس اینکه مبادا کارش را ازدست بدهد اجازه میدهد که مانند یک نقشه‌کش معمولی با او رفتار شود. یک آرشیتکت معمولاً کار زیادی را برای کارفرمای میدهد به‌امید اینکه به او پروژه‌ای رجوع بشود و در پایان دربرابر کارفرماینها در نوع فرآوردادی که با او مبیند سرتسلیم فرود می‌آورد بلکه بسیار اتفاق می‌افتد که طرح وایده پروژه را نیز به عنوان تحمل از کارفرمای قبول نمایند و باهم اینها آرشیتکتها به‌مندرجات میتوانند حق‌الزحمه خود را به روش صحیح دریافت کنند.

ما که تحصیل کرده ایران و یا خارج هستیم و میباشیست که آیا در حقیقت این نظام و اصول درست در حرفه ما وجود دارد؟ و اگر جواب منفی است آیا بیش از هر کس دیگر نباید خودمان را مقصود بدانیم؟ ما چطور میتوانیم از مردم انتظار داشته باشیم که برای ما و حرفه ما احترام فائل شوند درحالیکه خودمان هنوز ارزشمنان را معین نگرده‌ایم، و هنوز قوانین درست و صحیح وجود ندارد که ارزش حقیقی مهندس معمار را حتی از نظر استانداردهای دولتی معین کند. مقایسه ارزش یک مهندس معمار که از دانشگاههای تهران با درجات مختلف فارغ‌التحصیل می‌شود با یک آرشیتکت دیگری که در خارج تحصیل کرده و عضو آکادمی آرشیتکت‌های انگلستان است و یا مهندس دیگری که با تیشر دکترا از یک دانشگاه ایتالیائی فارغ‌التحصیل می‌شود و یا مهندسی که در آمریکا به عنوان یک آرشیتکت رسمی ثبت شده و عضو آکادمی آرشیتکت‌های آمریکا شناخته شده است همکی نامعلوم و در یک ردیف قرار گرفته‌اند. شاید تنها عنوان یک آرشیتکت و یا مهندس معمار که روی یک دیبلم نوشته شده و به دیوار آویخته شده است ارزش چندانی نداشته باشد و این معلومات و تجربه و هنر یک آرشیتکت است که حقیقتاً موقعيت او را معین می‌کند.

روزی که ما بتوانیم خودمان در بین خودمان استانداردهای معینی را قبول کرده و رسماً در همه‌جا آنرا اعلام کنیم و به آن پایه‌بند باشیم در آن وقت است که میتوانیم مطمئن باشیم که حق‌الزحمه و حقوقمان فقط با منت و مرحمت کارفرمای داده نخواهد شد. شاید در آن روز بتوانیم با آموزش به صاحبکاران خود نشان دهد که رفتارهای دلخواه و بی‌منطق آنها نه تنها توهینی به حرفه معماری است بلکه ضرر و نتیجه بدانسته مستقیماً به خود آنها برخواهد گشت.

اگر ماقریتی بخواهیم که به حرفه خود خدمت کرده و آنرا از این بازماندگی نجات دهیم، باید بدون شک اساس و اصول حرفه خود را به کارفرمایان بیاموزیم تا بتوانیم با آنها بر احتی کار کنیم. این درست نکته‌ای است که تابحال در ایران شروع شده است برای آغاز هنوز هم دیر نیست. اگر مردم تنها فرقی که بین یک آرشیتکت و یک صاحبکار هر دو به عنوان طراح و سازنده یک بنا می‌دانند اینست که آرشیتکت می‌دانند چطور خطکش و نقاله بکار ببرند.

بسیار اتفاق می‌افتد که کارفرمایی بیش یک آرشیتکت می‌اید که در دست هالکیت زمین بزرگی دارد و به مهندس معمار می‌گویند که یک نقشه شهرسازی برای این زمین به من بده! این زمینی است که من همه کارهایش را تمام کرده‌ام و درحال حاضر بیشتر خیابان‌کشی‌هایش را انجام داده‌ام.

بی تردید عده این توانهایان بسیار کم است و اینها فقط در خانواده‌های ممکن است باشند که آن خانواده یک آرشیتکت دارد.

همین کودکان فردا بزرگ می‌شوند و کارفرمایی آینده خود را وهم حرفاها را تشکیل میدهند. بنابراین به خاطر خدمت به محیط زیستی که فردا برای خودمان بوجود می‌آوریم و برای خدمت بهمکاران وهم حرفاها یهایمان سهیمی از مشغولیت را تاکنک بدست بگیریم و بهاین توانهایان خود، کارخودمان را معرفی کنیم.

ما کلامهای موسیقی، نقاشی، وخطاطی در مدرسه‌هایمان زیست دیده‌ایم ولی آیا هرگز درباره کلاسی به عنوان شناخت هماری شنیده‌اید؟ این وظیفه هر معمار است که حداقل سالی یکباره به دستانتها و یا دیروستانی برود و برای دانش‌آموzan صحبت کند. چقدر خوب است که هر آرشیتکتی که مدرسه‌ای را طرح و اجراء می‌کند بعد از افتتاح مدرسه به آنجا رفته و برای شاگردان شرح بدهد که این مدرسه چطور طرح و ساخته شده است و دانش‌آموzan در این حال نه تنها بهارزش مدرسه و شهری که در آن زندگی می‌کند بشتر بیمیرند بلکه هم‌جنانکه بزرگ می‌شوند با کار و ارزش کارهای یک معماد آشنازی پیدا می‌کنند و شاید همینها فردا کارفرمایی روشنگران و فهمیده‌تری باشند که ارزش درک معماری و همکاری با معماران را رسیله بوجود آوردند بنابراید بهتری بدانند.

نقش آرشیتکت به عنوان عضو انجمن آرشیتکت‌ها

ما هم مانند همه کشورهای دیگر این جمیعیت انجمن آرشیتکت‌ها را داریم ولی در حقیقت تابحال توانسته‌ایم گروهی را بوجود بیاوریم که هم‌صدا و قوی باشند تا توسط این قدرت صدایمان به خوبی شنیده شود.

اگر ما به انجمن آرشیتکت‌ها نیرو بدهیم و بگذاریم که به عنوان نماینده‌ای از طرف ماصحبت بکنند، این انجمن می‌تواند سازنده و آموزنده کارفرمایی امروز و آینده‌ها باشد، می‌تواند نقش آرشیتکت را در مقامات و پروژه‌های دولتی قویتر کند، و بدون تردید می‌تواند ارزش و موقیت حرفه ما را والآخر سازد. یک انجمن متعدد و نیز و مند آرشیتکت‌ها در حل همه این مسائل که ما در این سری مقالات از آن صحبت کرده‌ایم می‌توانند مؤثر و مفید باشد. همین انجمن می‌تواند هدایت‌کننده حرفه ما باشد و برای آینده بوده و بعما زبان و سیستم ساختمانی بین‌المللی را بیاموزد. می‌توانند مشوق همکاری آرشیتکت‌ها را بسیاریکر و بوجود آوردن تیمی قوی از آرشیتکت‌ها و پیمانکاران باشد که پروردهای موفق‌تری را به کارفرمایان تحويل بدهند.

اما قدرت و ارزش یک انجمن تنها بستگی به علاقه و همکاری تک تک اعضای آن انجمن دارد و گواینکه انجمن آرشیتکت‌ها سعی می‌کنند نماینده آرشیتکت‌ها ایران باشد ولی حقیقت این این انجمن را به عنوان یک کلوب اجتماعی و ترقیاتی می‌شناسند. تعداد و نوع اعضای انجمن به مجرد رسیدن دوره انتخاب رئیس و یا هیئت مدیره یکلی تغییر می‌کند و پس از پایان آن نیز آنها که خود را برعلیه گروه انتخاب شده میدانند تا انتخاب بعدی هرگز در فعالیت‌های انجمن شرکت نکرده و عده قلیلی از آنها که موافق با گروه انتخاب شده هستند فقط گاهی در جلسات شرکت می‌کنند. هر انجمن و یا گروهی که اعضا و افراد مربوط به آن با چنین کوتاه فکری و حساسیت رفتار کنند، انجمن خود را محاکوم به بی‌ارزشی و نابودی می‌نمایند.

ما ایس آنها شاید از لحاظ انفرادی در دنیا بی‌نظر باشیم اما منفرد بودن در مقابل حرفه ما فلسفه‌ای قدیمی و پوشیده است و ما بهنهایی هرگز نخواهیم توانست حرفا را داشته باشیم که موجب احترام و ارزش اجتماع واقع شود. ما آرشیتکت‌ها تنها روزی می‌توانیم به داشتن حرفا را با ارزش افتخار کنیم که همگی اختلاف نظرهای شخصی را کنار گذاشته و انجمن آرشیتکت‌ها را حمایت و تقویت کنیم.

آورنده بخش‌های بزرگ و قوی خصوصی بوده است، حق شرکت و دخالت بخش‌های خصوصی را در صنایع دولتی نیز به مردم داده است، کارهای معماری و ساختمانی نیز اگر از کارهای بزرگ دولتی خارج و به بخش خصوصی واگذار شود بدون شک بر نامه‌ها موفق‌تر و محصول‌ها برتر خواهد بود.

دولت یا بهتر بگوئیم بخش‌های گوناگون و یا ادارات مختلف دولتی وقتی که به مهندسین مشاور با تخصص‌های ویژه‌ای احتیاج دارند، خوب است که نکاهی به کشور خودمان و افراد آن بپاندازند. ب Fletcher میرسد که امر ورز استخدام کردن کارشناسان خارجی برای شهرت و نمایشگری به قوت زیادی موجود است در حالی که ما در همین کشور خودمان در حرفاها مختلف متخصص‌های گوناگون ایرانیان از اینهاشان اینست. تحصیلکرده ایران یا خارج که به خوبی و شاید هم بهتر از این بقول معروف کارشناسان خارجی از عهده کار می‌توانند برویانند.

خوب است که بهایده‌ها و خواسته‌های پیشوازی کشورمان درباره صنایع نگاه کنیم و آنها را در حرفه معماری نیز بکار ببریم، «کارها را باید به بخش‌های خصوصی واگذار کرد و آنها را تقویق نمود. باید استعدادها و تخصص‌هایی را که در ایرانی موجود است مورد استفاده قرارداد و در جایی که توجه به و یا تخصص لازم در بخش خصوصی موجود نیست باید یا کمک و تشویق اینست انجام شود. اگر ما اجازه دهیم که ادارات دولتی ایران بددست ایرانی انجام خارجی حرفه معماری ایران را در دست بگیرند معماري امر ورز و آینده ما بسیار فقیر و همیشه بستگی به کمک خارجیان خواهد داشت».

نقش معمار به عنوان خدمتگزار مردم

ما معماران چکونه می‌توانیم تشویق کنیم تا کارها از دست بخش‌های دولتی خارج و به بخش‌های خصوصی واگذار شود؛ بهترین راه حل شاید آن باشد که خود ما نیز به عنوان یک عضو بانفوذ و گیرنده تضمیم در دولت خودمان شرکت کنیم. تابحال معماران بیشتری به عنوان یک کارمند دولت در وزارت‌خانه و یا شهرداری مشغول کار بوده‌اند. ولی در این موقعیت به خاطر اینکه تصمیم‌ها قیلاً و بدون اطلاع آنها گرفته شده و طرحها و کارهای مربوط به حرفه خودشان به دست دیگران انجام شده اکثر آنها بجهت یک نقشه‌کش و یا مجری بر نامه‌های غیرمنطقی دیگران نداشته‌اند.

ما احتیاج داریم که در حرفه خودمان معمارانی به عنوان معاونین و رؤسای ادارات و وزارت‌خانه‌ها و اعضای انجمن شهرها و مقامات تضمیم گیرنده مملکت داشته باشیم. البته این افسرداد باید اشخاصی با احس هسته‌ای نسبت به حرفه و وظیفه خود باشند، و از این موقعیت‌ها سوه استفاده نکنند، و بطور جدی در تضمیمات دولت برای بوجود آوردن بر نامه‌ها و سوابتها شرکت جوینند. حرفه ما می‌تواند با داشتن اینکونه افسرداد در مقامات دولتی نفوذ کامل خود را در بوجود آوردن محیط زیست بهتر برای مردم، طرحهای بهتر برای شهرسازی و معماری و بر تعلیم درستی برای حفاظت آثار با ارزش گذشته خودمان و رابطه محکمتری بین حرفه معماری و دولت بوجود بیاورد. در این موقعیت نیز کارهایی که مربوط به حرفه ما است واکنون بددست دولت انجام می‌کنند از بخش دولتی به بخش خصوصی منتقل خواهد شد.

نقش معمار به عنوان یک معلم

بجههای ما از همان کودکی میدانند که وقتی بزرگ شدند می‌توانند معلم، دکتر، ویا تاجر و افسر بشونند. اما چند نفر از همین بجههای هستند که بدانند وقتی بزرگ شدند می‌توانند آرشیتکت بشونند؛ و اینکه اصلاً در حقیقت چند نفر از همین بجههای هستند که اصلاً بدانند آرشیتکت کیست و یا چکار می‌کند و یا اینکه عده آنها که بدانند حقیقتاً یک ساختمان چطور ساخته می‌شود تا باین شکل در بیاورد چند نفر هستند؟

بحث روز... محیط زیست

«نسته‌اند» ناقیمت آن بالا برود هر چقدرهم که طرح و نقشه جامع ما صحیح باشد بدون استفاده از این زمینها بی معنی خواهد بود.

همین زمینها جمعیت‌ها را به طرز غیرمتوازنی به نقاط دیگر شهر سوق داده و بر روی هم فشرده خواهد کرد. برای اینکه این زمینهای خالی در شهر تهران اجباراً ساخته شوند، محدوده‌های معینی را بوجود آورده‌اند که به‌جهة خارج از این محدوده‌ها ساختن ممکن نیست. بهمین دلیل توازن قیمت زمین در داخل محدوده به نحوی غیر منطقی بالا رفته است. بطوریکه در بسیاری از موارد ساختن بنائی راحتی مطابق با نقشه جامع غیر ممکن می‌کند. در اینصورت شاید بهتر باشندگه شهرداری ایده جدید خود را که مالیات بستن سنگین بر زمینهای ناساخته داخل محدوده است جدی‌تر دنبال کند.

اثری و منابع طبیعی

حرفه معماری باید همچنین به اثری را بوجود می‌آورد توجه کند. بطور مثال هر و منابعی که این اثری را بوجود می‌آورد خواهد بود. محدوده‌های چند که ما بیشتر بر قصر کنیم و با توسط هاشینها و دستگاه‌های قدیمی و خراب خود آنرا به‌هدر پنهانی به‌همان اندازه نیز به‌آب و یا نفت بیشتری احتیاج داریم که این اثری بر قر را برای ما بوجود بیاورد. هر چقدر که سطح زندگی مردم شهرها بالا می‌رود مصرف آب و برق و گاز آنها نیز بیشتر می‌شود و چون منابع طبیعی ما ثابت بوده و به‌این نسبت زیاد نمی‌شوند تنها چیزی که به عنوان سهم شهر باقی می‌ماند اضافه شدن هر روز آزادگی‌های هوا آب و زیان‌آور شدن زیوال است. مجموع اثری‌هایی که برای تک تک انسانها ساخته شده مصرف می‌شود و به‌هدر می‌رود بدون شک بیشتر از آن خواهد بود که ما این بناهارا باهم بشکل گروه گروه طرح کرده و سیستم مشترک اثری مانند حرارت مرکزی برای آنها بوجود آوریم.

وقتی که ما به‌مسئله مهم آب در تهرانی که قرار است تایبیست سال دیگر فقط پنج و نیم میلیون جمعت داشته باشد و هم‌اکنون به‌چهار میلیون هیرسد فکر می‌کنیم حتی عوامل کوچکی را مانند سیفون‌توالت های مدرن به‌جای آفتابه و آبی را که به‌هدر میدهند نمی‌توانیم ندیده بگیریم، درکشواریکه کمبود آب همیشه از مسائل بزرگ روز بوده است این بنظر کمالاً منطقی می‌اید که بطور جدی به‌تصویر مکرر آبهای مصرف شده بیندیشیم و بر نامه‌ای داشته باشیم.

امروز که ما درکشوران برای بوجود آوردن یا کشکه عظیم بر قر نامه‌های بسیار بزرگی داریم و با اجرای این برنامه بدون شک در آینده یکی از بزرگترین ممالکی خواهیم بود که اثری «تمیز» یعنی برق از آب بوجود می‌آوریم، خوب است که از هم اکنون نیز بکوشیم تا بر نامه‌های صحیحی برای استفاده از این نیرو در شهرهای خود تنظیم کنیم تا بعد ممکن اثری‌های مصرف شده در شهرهای ما خالی از آزادگی باشند.

این مسئولیت آرشیتکت است که در طرحهای خود حد اکثر استفاده را از اثری‌ها باحدافل هنردادن آنها بنماید. آرشیتکت باید برای یافتن بهترین سیستم تاسیاتی ساخته‌اند تحسیس کرده و برای خودش روش شده باشد که مهندسی‌های صحیح تأسیات محیط زیست دخالت مستقیمی در بوجود آوردن محیط زیست صحیح دارد.

بحث روز..... محیط‌زیست

اکنون که ما در کشورمان به درجه‌ای از صنعتی شدن رسیده‌ایم، جاده‌های اسفلت هستیم و آب‌لوکه کشی و برق به دهکده‌های خود می‌اوریم فکر می‌کنیم این درست موقعی است که باید توجه بیشتری به نوع زندگی و کیفیت محیط زیست خود بتعالیم.

ما بیش از همه چیز نگران وضعیت شهرها و کیفیت محیط‌زیست در این شهرها هستیم، گروهها و سازمانهای مختلفی بطور جداگانه هر یاک دارای فعالیت‌هایی نسبت به مسائل محیط‌زیست هستند که با یکدیگر هماهنگی و روابطه نزدیکی ندارند.

ما نمی‌توانیم مسائل محیط‌زیست خود را از هم جدا کرده و تاک تک آنها را حل و معالجه کنیم به‌این امید که حل یاک مسئله به‌نهایی ممکن زندگی بهتری برایمان خواهد بود. محیط زیست بطور کلی یاک سیستم اکولوژی است و اکولوژی نیز خود عبارت است از همبستگی و روابطه‌های ناگستینی، چه کسی می‌تواند مناسب‌تر از یاک آرشیتکت باشد که این همبستگی‌ها و روابطه را درک کرده و نقش هدایت‌کننده‌ای را در مباحثه وجود آوردن محیط زیست مناسی برای امر روز و آینده ما داشته باشد.

تابعال رسم چنین بوده است که نقش اصلی آرشیتکت این باشد که نهایی زیبا بازد و قصر خوش‌نگ وایده‌آلی برای صاحبکارش بناکند. ساخته‌اند که تنها طرح شده و مناسب با ساخته‌اندیگی دیگر نبوده است. اما امروز ما در می‌ایم که این بناهای تک تک به‌نهایی نیستند که محیط زیست انسانها را می‌سازند بلکه همه این بناهای با همدیگر روابط و همبستگی‌هایی را بوجود می‌برند که محیط زیست محلی و شهری را برای مردم می‌سازند. اگر ماقصیتاً بخواهیم که مغلوب زندگی اجتماعی صنعتی که بدون قواره بزرگ شده، واقع نشود، می‌بایست که اجازه بدهیم که از هم‌اکنون حرفه معماری بیشتری ویژه‌ای داشته باشیم که اجتماعی را در دست گرفته و مارا برای ساختن محیط‌های زیست مناسب امروز و فردا راهنمایی کند.

یاک دودکش کوچک کشیف کارخانه‌ای درکنار یاک دهکده یا بطری شکسته‌ای که از ماشینی بمکنار جاده انداده شده، در مقابل طبیعت بزرگ بسیار ناچیز وی اهمیت است، اما وقتی که جمعیت‌ها در شهرها متراکم شوند زیوالهایی که بوجود می‌باورند به‌هر نوع که باشد مقدارش عظیم و تاثیرش بسیار نایینجار خواهد بود. اگر شهرهای ما می‌خواهند بعمردم خود «زندگی خوب» بدشوند این شهرها نمی‌توانند فقط براساس آمار و با موقعیت اقتصادی طرح شده وجود بیایند.

ما معماران و شهرسازان وقتی شهری را طرح می‌کنیم تنها به محدوده و نقشه جامع فکر کردن و عکس‌های فشنگی را روی کاغذ نگیریم چاپ کردن کانی نیست، شهری که ما طرح می‌کنیم محیط زیست انسان هایی است که فقط باحس بصری که چهره شهر را بیینند زندگی نمی‌کنند مادر مقابله انسانها و همه احتیاجات آنها مسئولیت داریم.

بورس بازی زمین

بورس بازی زمین در شهرها یکی از عوامل بزرگی است که متوازن منطقی و ایجاد محیط‌زیست صحیحی را در شهر به‌هم می‌زند. وقتی که ما همچنین صاحبان زمینهای بزرگی در شهر فقط روی زمین خود

سیاست شهر سازی کشور

به خاطر اینکه بر نامه‌های اصلی کشوری امروزه بر اساس صنعتی شدن و بالابردن در آمدنسان است، طبیعتاً شهرهای برآمده این سیاست را از کاریابی بوجود آمده و با بزرگ می‌شوند. البته این راه برای رسیدن به هدفی که در نظر گرفته شده است راهی صحیح و بانتیجه خواهد بود اما زندگی دریک شهر معنی‌اش بیش از آن است که یک شخص شغل‌دانی و جیبی برازیل داشته باشد. این مسئولیت ما آرشیتکتها و شهر سازان است که تنها به اقتصاد شهری تکرار نکرده بلکه کوشش و فعالیت خود را هرچه بیشتر صرف پیشرفت شهری کیفیت زندگی شهری بنمایم و سعی کنیم که تا حد امکان خود را در بوجوه آمدن سیاستهایی که در کیفیت محیط زیست شهری دخالت دارند بکار بیندازیم. هیچ حرفه دیگری همانند حرفه ما برای پیشقدم بودن در نوع فعالیتها مناسبتر نیست.

خیلی تاثیر آور است که کشورهای در حال توسعه مثل کوکان از تجزیه بزرگ‌ترهای خود درس نمی‌آموزند و اشتباوهای آنها را شخصاً تکرار نمی‌کنند. درست است که ما امروز افتخار می‌کنیم که در آمد خالص سالیانه کشورمان به جایی حقیقت را در بوجوه آمدن رسیده است در حالی که فراموش می‌کنیم که به شهرهای زاین که قربانی این رشدسریع شده‌اند نکاه کرده درس عیوب بکنیم. باید فراموش نکرد که خرهای را نیز که ما به خاطر تصحیح اشتباوهای خود در کشور می‌کنیم، جزو در آمد ناخالص سالیانه کشوری گنجانیده شده است. ما قدر می‌کنیم که صنعتی شدن ننانه متعدد و متفرق بودن است.

بسیاری از کشورهای صنعتی شده امروز می‌بینند که سرزمین هایشان آلوده و متعاب طبیعتیان در حال پایان یافتن است و آنچه که بر ایشان بزرگ‌ترین ارزش را فائل می‌شوند مورد سؤال و تردید قرار گرفته است. ما نیز ممکن است بزودی بهکروه آنها بپیوندیم. مگر آنکه در این گیروداد صنعتی شدن تجربه تلخ دیگران را بیاموزیم.

البته باید هترقی و پیشرفتی باشیم ولی منظور چنوع ترقی و پیشرفتگی است، شاید بهتر باشد کدامی بیشتر فکر کنیم و طرز فکر خودمان را نسبت به یک شهر مورد سؤال قرار بدهیم. این جیست که مندم را دریک شهر دورهم جمع کرده و آنها را در آنجا نگه می‌دارد؛ آیا حقیقتاً لازم است که این جمعیتهای بزرگ را در مرکز معینی در هم فشاریم تا آنها نقش سازنده محصول و محضر فکننده محصول را بازی کنند؛ آیا بازی کردن این نقش همترین چیزی است که ما می‌توانیم به مردم و همشهرهای خود بدهیم؛ آیا تکنولوژی امروز و وجود آمدن شبکه ارتباطات سراسری کشوری و بین‌المللی، سیستم‌های آموزشی و اطلاع‌انواعی تلفنی، تلویزیونی، ماهواره و حتی هلوگرافی نمی‌توانند مواردی باشند که طرز فکر هارانسبت به وجود آوردن شهرهای بزرگ تغییر بدهند؟ سیاست شهر سازی کشوری بر نامه‌ای برای آینده شهرهای کشور ماست. و باید سعی کنیم که خودمان را فقط بالعکانات تکنولوژی امروز محدود نکرده و اساس آنرا برایه تکنولوژی فردا و زندگی آینده‌ای که از فردا شروع می‌شود بگذاریم.

طبیعت در شهرها

«اومنی» می‌گوید،

«طبیعت در شهرهای بزرگ از هرجای دیگر زودتر از بین می‌رود، دلیل آن هندرسی است نه اخلاقی. خطهای مستقیم خیابانها و معماری، بی‌روح بودن قوانین و آداب اجتماعی، پیاده‌روهای راست و محدود، قوانین خشک و راه و رسم زندگی که حتی در محلهای تفریح و ورزش نیز مرتب تحت فشار واقع می‌شود، همگی باطبیعت و خطوط ظریف و منحنی و ملائم مقایمت دارد.»

این اینان همیشه دوستدار و عاشق طبیعت بوده‌اند و حتی آنها که امروز در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند بیش ازیکی دونسل نیست که از زندگی دهاتی و طبیعت نزدیک به آن جدا شده‌اند. بنا بر این نگاه

داشتن طبیعت در شهرها باید خیلی بیشتر مورد توجه آرشیتکتها و شهرسازان ایرانی واقع شود، نه غریب‌های که نسلهای است در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند.

مایه‌پارکهای بیشتری احتیاج داریم. پارکها، ویاده‌روهایی که در سراسر شهرها موجود باشند. مردم ما هنوز در هر خیابان درختی می‌بینند باسط پیک نیز که را یعنی می‌کنند و شاهد زنده آن خیابانهای چهارباغ و جاده شمیران در تابستان است.

تهران در حال ساختن یک پارک بزرگ در جنوب شهر است که زندگی در میان طبیعت را به مردم قول می‌دهد. امید است که این پارک به مردم درختها و مساحت‌های را بددهد که بتوانند باسط پیک نیز را در آن یعنی کنند، مردم را از روی چمنها ببرون نیازدازند و مانند پارکهای دیگر فقط خیابانهای اسفلات و سنسکر را به آنها اختصاص ندهند. ولی باهم اینحال هوای پارک جنوب شهر را که نمی‌شود با تهیه مطبوع خنک و تمیز کرد و مردم بدون شک رفتن به شمیران در تابستان را ادامه خواهند داد. فقط یک پارک عظیم که یادگار و باقیمانده زحمت و فعالیت دورانی از پخش دولتی است جوابگوی احتیاجات شهر نبوده بلکه پارکهای متعدد و کوچکتر و حتی خصوصی در اطراف این شهر شلوغ بسیار مفید خواهد بود.

پارکهایی که ما به آن احتیاج داریم می‌توانند دارای یک کتابخانه و مرکز تجمع فرهنگی محلات مختلف بوده و مانند پارک یوسف‌آباد (که در ضمن استثنائی مردمی که ناتوانی جسمی دارند نیز می‌توانند از آن استفاده کنند) ساخته شود.

هر روز جمیع و یا تعطیل که مردم تهران برای یافتن درخت و آب و سبزه بخارج از شهر کوچ می‌کنند نشانه تشکیل و احتیاج بزرگ این شهر نشینان به دست یابی به طبیعت است. این طبیعت را باید بتوانیم به داخل شهرهای خودمان بیاوریم.

مرغوبیت محیط‌زیست همانند همه کشورهای دیگریک موضعین‌المللی است و این از می‌تواند با موقوفیت‌هایی که در کفرانس بین‌المللی محیط‌زیست در استکلهلم امسال بست آورد بسیار به خود بمالد. اما باید سعی کنیم که مسائل را در مقایس کشوری حل کنیم و می‌بایست در یک کرده و بدانیم که اکولوژی رابطه مستقیمی با طرح‌جهای منطقه‌ای داشته و من‌غوبیت محیط‌زیست ما بستگی به فهم و توجه لازمی دارد که در طرح و ساختن شهرهایمان بکار ببریم.

در کشور ما در سطح دولتی برای محیط‌زیست خیلی بیش از آنچه که ما اطلاع داشته باشیم انجام گرفته است.

سازمان شکاربازی و صید که جدیداً به نام سازمان حفاظت محیط‌زیست نامیده می‌شود مسئولیت‌های جدیدی دارد. چون کنترل آلودگیها و استفاده از زمینها به‌عهده گرفته است که نکات بسیار مهمی را در محیط‌زیست ایران تشکیل می‌دهند و با داشتن ارزش و قویت این مسئولیت‌ها، سعی‌مانه امیدواریم که بتوانند این پیشرفت و فعالیت‌های چشم‌گیر را ادامه بدهند.

یک روز کشور ما شاید به خود افتخار بکند نه برای اینکه بزرگ‌ترین در آمد ناخالص کشورهای صنعتی دنیا را دارد، بلکه برای اینکه عظیم‌ترین و بزرگ‌ترین شهرهای را ساخته است، بلکه برای اینکه عظیم‌ترین و بزرگ‌ترین محیط‌های زیست طبیعی و وحشی را به عنوان مناطق حفاظت شده قبیل به مساحت کشور خودش در عرضه بین‌المللی کنار گذاشته است.

بحث روز

بحث روز..... حفاظت آثار باستانی

دنیای امروز به سرعت درحال صنعتی شدن و توسعه یافتن است و هر روز جمعیت بیشتر و سطح زندگی بالاتر می‌رود و آنچه که دیر و زیاده رفاه و آسایش بشود امروز ناقابل وی ارزش به حساب می‌اید. در حالی که پیشرفت علم و تکنولوژی، اختراعات و ابتکارات امروز را فردا متروک وی ارزش می‌کند. و میراث گرانبهای خود را بنام پیشرفت و ترقی، خیلی ساده هیتوانیم نابود کنیم.

بهمان نسبت که ما امروزه از زبان و ادبیات و هنرهای ملی خود که ما را به ریشه‌های تمدن قدیمی‌مان وصل می‌کنند صحبت می‌کنیم باید از حفاظت آثار باستانی وابسته تاریخی‌مان نیز مانند بنایهای باستانی، باغها، پلها، بازارها و یافته‌های شهرهای قدیمی صحبت بیان آوریم. البته به خاطر حفظ اتفخارات گذشته نیاید هائی پیشرفت و نوسازی شهرهاشد بلکه باید چنان عمل کرد که در عین پیشرفت و توسعه شهرها آثار وابسته تاریخی نیز همچنان با بر جا بمانند.

آیا آثار باستانی ما در عرض خط را بین رفتن قرار گرفته‌اند؟ ملتی که درحال انقلاب صنعتی است و با سرعتی عظیم به جلو میرود و بطوریکه درآمد ناخالص سالانه آن بر این با بیش از ده درصد می‌باشد، درحالیکه سیاست دولت می‌کوشد ایران را یک کشور مدن و پیشرفتی به جای یک کشور تاریخی و باستانی به دنیای خارج معرفی کند و در حالیکه صنایع در ردیف اول برنامه‌های توسعه و عمران مملکت قرار دارند هیتوان گفت که ایران با خطر از دست دادن آثار باستانی و اینهای تاریخی و یافته‌های تاریخی خود روبرو است و شاید این نابودی در اثر بی‌توجهی بوجود خواهد آمد نه بطور عمده. کشورهای پیشرفتی بهخصوص کشورهای اروپائی و امریکا متوجه شده‌اند که آثار باستانیشان با سرعت عجیبی روناپویی میرود و بدتر آنکه این آثار و یافته‌ها را به خاطر از دیداد جمعیت و ترا فیک از دست میدهند. علت بر وزجن حوادثی عدم وجود قوانین و مقررات برای حفاظت این آثار و اینهای توسط دولت می‌باشد. دولتها در اینصورت هیچ کوششی به عمل نمی‌برند و در طرحهای نوسازی عامل مؤثری برای حفظ این آثار نمی‌باشند. سد عظیم آسوان در عصر که بی‌شك برای توسعه آن کشور بسیار ضروری است به آرامی بعضی از آثار باستانی دنیا را در خود غرق می‌سازد میدانهای بزرگ اروپا باتمام ارزش تاریخی که دارند بهارکینگها تبدیل می‌شوند تا بلکه جانی برای اینهمه اتومبیل بوجود آورند. در ایالات متحده امریکا بطوریکه آثار نشان میدهد بیش از نیمی از ۲۱ هزار ساختمان باستانیشان با خالک یکسان شده و نیم دیگر نیز در تهدید نابودی بسرمیورند.

ایالات متحده امریکا با تاریخ کمتر از ۲۰ سال با تمام قوا چه توسط حکومتهای محل و چه توسط دولت کوشش مینماید که قوانین و مقرراتی جهت حفظ آثار باستانی خود بوجود آورد، در این صورت ضروری است که ایران با تاریخ بیش از دوهزار سال سعی پیشتری برای حفاظت باقیمانده آثار تاریخی خود در مقابل توسعه‌یافتن و صنعتی شدن بنماید. حفاظت نه تنها در مقابل ویران کردن جاهلانه این آثار، بلکه در مقابل طرحهای آبادانی که در اثر بی‌توجهی با وجود آمدن خود این آثار بالارزش را نابود می‌کنند.

در سال ۱۹۶۸ مشاورین پرسزیدنت امریکا برای نشان دادن زیبائیهای طبیعت گزارش زیر را دارند:

حفظ آثار

عملت‌ها برای حفاظت آثار تاریخی و فرهنگی خود قصور فراوان نشان داده است، برای حفاظت آنچه که در حال حاضر به جای مانده باید نهایت کوشش به عمل آید. ملتی که همیشه آینده را در نظر دارد باید این نشانه‌های پرارزش و با اهمیت تاریخی و فرهنگی خود را برای نسل‌های آینده پنهوی حفظ نماید، بناهای تاریخی ارزش فراوانی در بود آوردن طرحهای شهرسازی جدید دارد و وجود آنها در ساختمانهای یکنواخت امر روز زیبائی خاصی را بوجود می‌آورد. در ضمن با تغییر بناهای تاریخی میتوان استفاده‌های جدیدتری نیز از آنها نمود ولی در عین حال باید مواطن بود که حالت و محیط‌bastانی حفظ شود و ساختمانهای مدرن با فرم و فونکسیونی که با قدیمی اتفاق داشته باشند میتوانند محیطی را بوجود آورند که منعکس‌کننده فرهنگ و گذشته ما باشد.»

فتایجی که از تحقیقات این گروه محقق بدست آمد این بود که مشاورین پرفسور امریکا توصیه کردند که دولت برنامه‌های حفاظت و تعمیر آثار باستانی وابسته تاریخی را در شهر توسعه بدهد. در روسیه رئیس حفاظت آثار باستانی لنبنگراد اعلام کرد که «اگر ما این آثار باستانی را نداشیم اهرار نیز ملتی نداشتم.» و رئیس حفاظت کارهای سنتزبورگ قدیمی گفت «اینها تاریخ ماستند، تاریخ ملت روسیه».

مردم احتیاج دارند که بدانند که زندگی ملت‌شان در گذشته چگونه بوده و نیز بینائی آنرا داشته باشند که بینند زندگی امروز آنها چطور ادامه پیدا می‌کند.

وقتی که آثار باستانی به خاطر توسعه شهرها و ساختمانهای اطرافشان هورد حمله و خرابی قرار می‌کنند این معماران هستند که مسئول می‌باشند. آنها که سوکارشان با فرم‌های این بناهای از نظر زیبائی وجه از نظر ساختمانی می‌باشد. ایران که شهرهای روزگار و توسعه پیدا می‌کند برای اینکه بتواند گذشته پیرارزش و گرانبهای خود را که در آثار وابسته تاریخی نهفته است حفظ کند می‌باشد از وجود معمارانی که از معماری اصیل ایران آگاهی دارند، استفاده نماید. و اینان هستند که باید در آغاز برنامه و قبل از اینکه تصمیمات بزرگی اتخاذ گردد جزو کادر تصمیم‌گیرنده قرار گیرند.

بطور کل مهندس معمار مشاور یا سرپرستی که نسبت به آثار تاریخی کشورش حساسیت نشان میدهد میتواند تصمیمات دقیق‌تری اتخاذ کند. هنگامی که موضوع ساختن فرم و یا محیط جدیدی در محیط‌های قدیمی به عیان می‌آید، می‌باشد از وجود معماران با تجربه و حساس استفاده شود. این معماران میتوانند با آموزش فرم‌های قدیم و جدید فرمی زیبا از هر دو به وجود آورند. اگر این تصمیمات را که منوط به محیطها و بناهای قدیمی است بدست معمارانی که فقط با معماری و تکنولوژی جدید آشناشی دارند و نسبت به معماری قدیمی ایس ان اطلاع کافی ندارند بدھیم بادست خود این آثار گرانقدر و پیرارزش را در معرض خطر نابودی قرار میدهیم. در این حال بیشک بناهای جدید و مدرن و مجلل بر بناهای باستانی که غیرقابل تجدید هستند غلبه خواهند کرد. کشور ما نیز مانند خیلی از کشورهای دیگر فرهنگ و آثاری را از دست خواهد داد که نه تنها برای خودمان دارای ارزش و اهمیت است بلکه برای دنیا ارزشی خاص دارد.

بحث روز..... آلودگی*

به نظر میرسد همچنان که جوامع آدمی آلوده‌تر می‌شود، و نیز همچنان که سطح زندگی از فظر اقتصادی اعتلاء می‌باید کیفیت محیط زیست آدمی پشتی می‌کیرد، هوا کشف می‌شود، آبها آلوده می‌گردد و گرین از سروصدای موجود در شهرها غیرممکن می‌شود، زباله و خاکروبه منازل و صنایع چنان انبوه می‌شوند که کوهها می‌سازند، وزیبائی که ممکن بود بر محیط شهرها متصور باشد به سبب ایجاد مناظر نژاد و ناقبیاب از بین میرود، شهرها که برای کار تغذیه و اوصولاً زندگی شهری بدان‌ها می‌کراییم به صورت جاهائی پرسروصدا و آلوده درمی‌ایند.

هوای

نقشه‌های هادی که برای شهرها طرح می‌شود هزارها میلیون مردم را برگرداند یکدیگر می‌آورد، در صنایع نزدیک برای آنان کار تهیه می‌بینند و برای آنها جاده‌های سریع السیر می‌سازد که مسافت زیاد بین محل سکونت و محل کارشان را که ناگزیر طرح لازم می‌اورد ببینند و تمام این عوامل در آلوده گردانیدن هوا تأثیردارند. ما چون معماریم و در طرح دستی داریم مسئول آلودگی هوایی هستیم که ساختمانهای ما را نژاد و سیاه می‌کند. درختان را می‌کشد، خیابان‌ها و آدمیان را از سایه آنها محروم می‌کند، چشم شمارا می‌آزاد و ریه‌ها را علیل می‌کند.

در تهران که به بدترین صورتی در معرض آلودگی هوا قرار گرفته است دستگاهی نصب می‌شود که درجه آلودگی هوا را اندازه بگیرد. دولت کمرنگی سین برگرد شهر پیش‌بینی کرده است که مردم از اکسیژن خالص بهره‌مند شوند. در مجلس و در جراید بحث‌هایی درباره آلودگی هوای تهران در گرفته است، امید ما این است که این صحبتها بازودی نتیجه دهد و مبارزه با آلودگی هوا صورت حقیقت یابد.

سر و صدا

هذا باید بپرسیم که تأثیر توسعه فنی و صنعتی و ایجاد کارخانه‌های جدید بر محیط شهرهای ما چیست، هر جاده سریع السیر تازه چقدر هوای شهر را بیشتر آلوده می‌کشد، دستگاه بدن آدمی ناجه هیزان می‌تواند سروصدای رفت و آمد اتومبیل‌ها را تحمل کند هنگامی که مسکن وی نزدیک جاده سریع السیر واقع باشد. اراضی نزدیک جاده باید برای مقاصدی غیر از مقاصد مسکونی در نظر گرفته شوند. ممکن است درفت و آمد اتومبیل‌ها در این جاده‌ها اکتون چندان زیاد نباشد، اما بازودی این جاده‌ها برای اتومبیل خواهد شد، زودتر از آن‌چه که ما ممکن است فکر کنیم.

عامل ایجاد کننده سروصدای اتومبیل، ماشین و یا «واپیما» نیست. نوع استفاده از زمین و نوع مصالح و روشی که در ساختن مورد استفاده قرار می‌کیرد همه با ایجاد سروصدا رابطه دارند. ساختن خانه‌ها در رجایی که نزدیک فرودگاه است و امکان سروصدای هواپیماها موجود باید معمتو شود. باید در کنار جاده‌های سریع السیر حریم سین در نظر گرفته شود. برگرد لوله‌ای آب و فاضل آب در داخل منازل عایق چلوگیر نده صدا موجود باشد تا از ایجاد سروصدا چلوگیری شود. هم طرح‌های معمولی وهم ساختمانهای خوش نشانه می‌تواند از ایجاد سروصدا در شهرها چلوگیری کند یا آن را به حداقل تقلیل دهد.

۲۰

آب در اکثر نواحی ایران کمیاب است و چه خوب که نخستین قانون «ضدآلوده کردن محیط» که در مردادماه گذشته تصویب شد منوط به آلوده کردن آب است. مطابق این قانون ریختن زباله و مواد آلوده کننده در انواع آبها در ایران منوع می‌شود (فرض ما براین است که مراد از تمام آب‌ها، خلیج فارس، دریای خزر، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و شهرها است) و متخلفین از این قانون به شدت جریمه می‌شوند. در آغاز کار پیاده کردن این قانون مشکل خواهد بود. کارخانه و صنایع که بسیاری از آنان توسط کمیانی‌های خارجی تأسیس شده‌اند و کمیانی‌هایی که سرمایه آنان برای رشد اقتصادی ایران مهم است و وجودشان برای سمعتی کردن گشوار بسیار لازم است برای در امان نگاهداشتن محیط از آلودگی از آغاز نهادنیشهای کرده‌اند نه ملاحظه‌ای. درنتیجه وضعیت ناراحت‌کننده‌ای که اکنون ما با آن مقابله هستیم همان است که کشورهای توسعه یافته با آن روبرو هستند و با آن‌ها پیش بوده‌اند. از ایک جانب احتیاج به آب و هوای غیرآلوده واز جانب دیگر هزینه‌ای که صنایع پس ای پاکیزه نگاه داشتن آب و یا هوا مترتب است.

بن معماری و استفاده پس از ساخته: فاقد از آب پستکی و رابطه نزدیک موجود است؛ یعنی از این روابط خاصه در طرح های بزرگ معماری مطرح می شود. همه میداناتیم که آب جاری و سریاز از دیر زمان عاملی پس از اینها در ریاضاتی و خیابان بندی است اما ایجاد رابطه بین آب و معماری به صورت امر و زی فقط اخیراً معمول شده است. اکنون تأسیس وايچاد سده های بزرگ این امکان را پما میدهد که از آب و استخراج های نزدیک سده ها برای ورزش و تفریح استفاده کنیم و این نکته اهمیت و ارزش خاصی برای شهر نشینان دارد.

همین سدها کامه نقاط سیل‌گیر را در شوری که روی امپری خشک است ولی پاره‌ای ازدهات و شهرهای آن سیل‌گیر هستند تغییر میدهند و این دهات و شهرها را در مععرض سیل‌قرار میدهد. چه وقت می‌توانیم بیاموزیم که بر نقاط سیل‌گیر نباید ساختمان شود. بلکه باید آنها را محفوظ نگاه داشت تا مجرای طبیعی سیل باشد، به عنوان معماری توان به راهنمایی دستگاههای اجرائی پرداخت.

ذیاله

مسئله زیاله تنها با جمع آوری آن ازخانه‌های مردم و یا
کارخانجات فوراً حل نمی‌شود. باید به مردم آموخت که هر چه رانی-
خواهند فوراً در کوچه و خیابان دور نمی‌زنند. مردم نه تنها اتومبیل‌خود
را با استفاده از آب جوش می‌شویند، بلکه جوش‌ها بجزیله‌دانی تدبیل
شده است. نتیجه آن می‌شود که پس از یک باران شدید آبیوه زباله‌ای گذار
جوی‌ها جمع شده‌اند، بهینش جنوب شهر انتقال می‌یابد، تا جایی که آب
همراه با این کلافات از پیوست پرتقال گرفته تا لشکه کفشه از جوی
لبریز می‌شود و به خیابان و پیاده‌رو میرسد.

این وضعیت به راستی انسان را به یاد شهرهای اروپائی قرون
وسطی می‌اندازد که مردم از پنجه‌خانه‌ها زیاله و کلافات را به داخل
کوچه‌ها می‌پختند و عابرین البته باید حساب کارخود را می‌کردند.
به‌نظر می‌رسد مردم فکر می‌کنند هر قطعه زمین نساخته شده و
بدون دیوار در شهر محلی مناسب برای ریختن و انباشت زیاله و کلافات
است. شاهد این مدعای بخش‌های نساخته شده عیاض آباد در تهران است که
در آن‌ها از صدها بناکت و لاستیک، دور ریخته شده تیه‌هایی به وجود آمده

صنایع ما در حال حاضر تولید همان چیزهای را آغاز کرده‌اند که صنایع غرب به مضار آن متوجه شده، می‌خواهند تولید آن را کنار بگذارند: قوطی‌حلبی، بطری، جعبه و چیزهایی مانند آن که پس از مصرف محتوی آن بلا مصرف می‌ماند. بهتر است قبل از ارتکاب به استیاهای تازه متوجه باشیم صنایع ما چه تولید می‌کنند.

ڙشتی

وقتی که نوبت به «آلودن بصری» قسمت‌های ساخته شده محیط زیست میرسد حرفه عماری باید مسئولیتی قاطع به عهده بگیرد. منظور این نیست که برای زیبائی ساختمان‌ها باید معیار یا معیارهای معینی فرض شود. می‌دانیم که زیبائی معیار فرمول پذیری ندارد، بلکه مراد از آن این است که باشد بر ضد جنبه‌های آشفته و وارفته شهرهای خود اقدامات جدی و موّقّع معمول داریم. زیرا اگر معیارهای زیبائی فرمول پذیر فیض، شناختن رشته و دقت صورت پذیر است. اثیو آشفته عالم و جراغها، رشته پر هوت پارکینگها و سیمهای رشت بر ق که بر گردن خیابانها آوینان است.

از استعداد بارز این افراد است که با این استفاده کردند و آنها را تشویق به ایجاد طرح علاوه و تابلوهایی کرد که چشم را بنوازند. نه آنکه هناظر شهر را به آشنازی کشد. از استعداد مردم برای آرایش و تزئین خیابانها که «چراغانی» نشانه آن است تپیز نمایند غافل شدند و با این استعداد برای بهبود وزیباگر دانیدن هناظر شهر استفاده کردند. مثلاً همین رسم چراغانی که هرسال به مناسبت‌های مختلف در شهرها تکرار می‌شود باید جاهای هنرمندانی در ساختمانها تعبیه شود بهجای آنکه بندهای چراغ همین طور در هر جا آوریزند شود.

خوبخیختانه حوزه شهرهای بزرگ، در ایران هنوز نخستین سالهای عمر خود را می‌گذرانند. و هنوز امکان پاک کردن شهرها از آلودگی‌ها قبل از آنکه ما را غافل گیر کند موجود است. مضامین بهاینکه هر روز بیشتر و بیشتر دسته‌های مردم بهاین موضوع متوجه می‌شوند؛ از جمله، شرکت نفت ایران برای رفع آلودگی هوا سینتاری ترتیب داده است. با اتحاد جماهیرون شوروی موافقت شده است که مسئله آلودگی

بعن خزر را مورد مطالعه قرار دهنده. در تهران گارخانه‌ای تأسیس خواهد شد که زباله‌ها را به گردشیمیاب تبدیل کند. اما این کوشش‌ها باید تلقی شوند و ادامه ملند. وقتی قدرت‌ها نمود و اتفاق راه‌حل باشند.

معنی سده و زاده های اینها علی روستا نموده اند.

ردیف شهرهای چندین میلیونی هبتلا و همین مسئله قرار نمیدهد.

اما وضعیت دراین جا هنوز به خامن اوس آنجلس و توکیو فرستیده است.
از آن‌ها به خوبی متناسب با آنکه قدرت از آنکه متعمل است.

است می‌توان جاواگیری کرد، به شرط آن‌که صنعتی کردن کردن اینها را

بعن خزر اندیشیده صورت گیرد. هنوز برای ما معماران فرصت باقی

است ده مسیر چاده ها را در شهرهای نوین سیم پا شرکت کنند و از سر و صدای اتومبیل در داخل شهرها بگاهیم.

و اگر به عنوان اهل حرفه و اشخاص صاحب نظر بانک خود
آن را که با همین ترتیب می خواهیم در آن را در نظر گیریم.

رباکوس آن‌ها که باید پشتیوند بر سایم ممکن است حمور بخواهیم - هر چهار خود را از آزادگی دوستی که محیط شهر های هارا تهدید نمی‌سیند

دراخان نگاه داریم.

بحث روز... مسکن

بحث روز... مسکن

گزارش اخیر وزارت آبادانی و مسکن که اظهار نظر سازمان مسکن را دربر دارد، نشان میدهد که اگر بخواهیم در ده سال آینده تمام ایران محل مناسبی برای سکونت داشته باشند، باید دو میلیون واحد مسکونی در این ده سال در این کشور ساخته شود معنای این تحول این است که سالیانه باید حدود ۲۰۰۰۰۰ واحد مسکونی ساخته شود و این میزانی است که تقریباً شیوه محترم و قدیمی آجر بر آجر گذاشتن را برای ساختن هر خانه عملاً غیر ممکن می‌سازد.

تنها ۱۵ درصد از این میزان برای طبقات پادرآمد بالا است که در آن بخش خصوصی حاضر به سرمایه‌گذاری است، در حالی که یک سوم کل این میزان برای طبقات کم درآمد است، که قسمت اعظم آن باید به کمک‌های مالی دولت صورت یابد. و در این قسمت بخش خصوصی مایل به سرمایه‌گذاری نیست. دادوستد و بازار در رشته‌های «دیگر منافع سریع تری می‌تواند برای خود تامین کند.

آشکار است که ایران با مشکل مسکن رو برو است. نخست آن که چگونه می‌توان این همه واحد مسکونی در زمانی چنین کوتاه‌که بدان‌ها احتیاج هست ساخته شوند؛ دوم آنکه چه کسی می‌تواند برای این نوع واحدهای مسکونی سرمایه‌گذاری کند؛ پاره‌ای اندامات در این تعیینه صورت گرفته است که بخش خصوصی را در این قسمت حاضر به سرمایه‌گذاری کند، اکنون بازکهای بیشتری وام مسکن می‌دهند و گاه به سبب حمایت مالی دولت بازکهای پرداخت اقساط واحدهای مسکونی را ضمانت می‌کنند. وزارت آبادانی و مسکن برای پروژه‌هایی که پیشنهاد ساختمان مسکن برای طبقات کم درآمد و متوسط کند، به شرط رعایت ضوابط فنی سازمان مسکن، تعیین را به قیمت ارزان تهیه می‌کند. تمام این اندامات کمک می‌کند که سرمایه‌ها به جانب مسکن متوجه شوند، ولی تردید هست که بتوان سرمایه‌ها را از صنایع که امکان استفاده بیشتر هست متوجه مسکن ساخت.

نتیجه آن است که بخش خصوصی حل مسئله را کاملاً به عهده دولت می‌گذارد که مدام پروژه‌های ساختن آپارتمان‌های ۵۰۰ واحدی یا بیشتر را در شهرهای عده ایران جهت تهیه مسکن برای همه آغاز می‌کند. این کوشش‌ها قابل تحسین است، اما طرح این آپارتمان از دفاتر مرکزی در تهران توسط کارمندانی صورت می‌گیرد که هیچ اطلاعی از محل و مکان ساختمان و موردی که برای آن‌ها این آپارتمان‌ها ساخته می‌شود ندارند، فی المثل اینان هرگز در تابستان در بندر عباس نبوده‌اند و از این رو تصور می‌کنند که تنها با ساختن پنجره‌های کوچک در ساختمان می‌توانند این خانه‌ها را برای هوای گرم و هر طوب پندر عباس قابل زندگی کنند.

اینان تصور می‌کنند هر نقشه را باتفاق مختصی مثلاً اضافه کردن یک آپان برای بحر خزر و چند پنجره هشیک برای نواحی خلیج فارس می‌توان هم‌جا بکار برد و نتیجه مطلوب به دست آورد. مسئله این است که مردمی که این واحدهای مسکونی برای این ساخته می‌شود اغلب از زندگی در این خانه‌ها سریاز می‌زنند و خانه‌های محقر اما راحت‌تر خود را ترجیح می‌دهند.

دولت درباره ساختن انحصاری مجتمع‌های مسکونی بلند در نقاط شهری است. پسیب ارزش پسیار قیمت زمین در حال حاضر ممکن است در نخستین نظر این امر منطقی به نظر رسد. اما به عنوان یک سیاست‌کشوری عمومی، نتایج اجتماعی این امر چیست؟ نتیجه این که خانواده‌های پدر سالاری موجود در ایران که عادت بازنشنگی در خانه‌های کوچک شلوغ ناک خانواری دارند، ناگهان در آپارتمان‌های مسکن دهیم که آنان را از هم جدا می‌کند. آیا بصرف این که فضای مورد احتیاج برای هر فرد در آپارتمان‌ها رعایت شده می‌تواند جواب‌گویی بریدگی زندگی پیوسته این خانواده باشد؟ آیا صحیح است که سیاست مسکن ما خانواده‌های سنتی ایران را که روشنگر و فاعل‌گرا هستند تبدیل به خانواده‌های «مستقل» مغرب زمین کند و روابط نزدیک دوستی و همسایگی را از آنان پکرید و بجهای آن افزوا در اجتماع را برای ایشان بوجود آورد.

موافقین آپارتمان‌های بلند حرفشان این است که این آپارتمان‌ها لازم هستند برای این که قیمت زمین زیاد است. اما این قیمت زیاد زمین نتیجه آن است که بر معاملات زمین نظارت نمی‌شود و بوسیله ناچار آزاد گذارده شده است امری که مانند بیماری خطرناک در تمام نواحی شهری شیوع یافته است. بجهای آنکه آپارتمان بلند بر تراکم را مانند «باندی» برای زخم بهیچیم لازم است خود مرض را معالجه کنیم. تغییر اجتماعی زندگی یا کنسلت پسیب آن که اقلیت زمین خواری می‌خواهد کیسه‌اش را پر کند تا چنان‌رازه صحیح است؛ بله، واحدهای مسکونی مناسب‌زندگی امروز باید تهیه شود اما نه به قیمت تغییر بی‌جهای سنت‌های یاک قوم به سبب آن که محتاج زمین خواران تأمین شود. خوشبختانه کوشش‌های آغاز شده است برای این که زمین خواری و زمین‌بازی متوقف شود. از جمله مالیات‌های بیشتر بر زمین‌های ساخته نشده و عرضه زمین‌های نسبتاً ارزان‌تر به شرط آن که ضوابط دولتی رعایت شود بر ابری پروژه‌های خانه‌سازی. اما محتملاً اقدامات مؤثر تر دیگری لازم است تا آنکه بتوان از نظر اقتصادی خانه‌های بهترآکمتر برای طبقات کم‌درآمدتر ساخت.

مسئله دخالت دولت در امر مسکن چنین دیگری نیز دارد که ممکن است اگر به موقع متوجه نشویم نتایج اجتماعی نامطلوب به بار آورد و آن اقدام هر وزارت‌خانه دائم به ساختن آپارتمان‌های مسکونی خاص کارمندان خود است. این جدائی مردم بر حسب شغل هایشان و ایجاد مجموعه‌هایی که مارک هر وزارت‌خانه را بر سر درش دارد نظری همان جدائی اجتماعی است که بین گروه‌های سنی و مالی مختلف به سبب آنکه برای هر دسته از ایشان‌گویهای مسکونی جدایانه ساخته شده در شهرهای مغرب زمین اتفاق افتاده است (نظیر گروه‌های مسکونی سالخورده‌گان یا به اصطلاح امریکائی همشهریان ارش، در ایالات متحده) تجریبی که در برزیلیا پایتخت جدید‌التأسیس کشور برزیل صورت پذیرفت باید این درس را بعما داده باشد که کارمندان دولت زندگی در همسایگی همکاران خود را دوست ندارند.

اکنون اوضاع چنان است که معماران آزاد کوچکترین فرصتی برای این‌نظر درباره این مسائل نمی‌باشد. کار وی در عرصه طرح‌های مسکونی محدود است به ویلهای خصوصی و آپارتمان‌های طبقات مرتفه. بی‌قریده مثال خوب طرح‌های مسکونی در بخش‌های غنی‌تر شهر موجود است و آپارتمان‌های شرکت‌سامان در زمرة بهترین مثال‌های زندگی پیش‌استه در آپارتمان‌های مسکونی است و چیزی از آپارتمان‌های نظری خود درسایر نقاط جهان کم ندارد.

اما هیچ دلیلی موجود نیست که طرح‌های خوب معماري باید صرفاً محدود به خانه‌های طبقات مرتفه باشد، دولت می‌تواند طرح خانه‌های ارزان قیمت را به‌عهده دفاتر معماري خصوصی بگذارد. اگر چنین کند خواهید دید که معماران ایرانی قادرند طرح‌هایی عرضه کنند که راه حل‌های مناسب و زندگه برای مسئله مسکن در ایران بوجود آورد.

وزارت آبادانی و مسکن در کوشش خود برای بهتر گردانیدن کیفیت پروژه‌های خانه‌سازی که می‌خواهند از کمک مالی دولت برخوردار شوند و فرضا برای پروژه‌های خود این وزارت‌خانه، ضوابطی باحدافل شرایط وضع کرده است. در این ضوابط راجع به مورد احتیاج هر فرد شرایط وجود دارد که در اصل خوب است ولی شماره طبقات و اندازه قطعه زمین نیز به دقت معین شده است که نتیجه آن ممکن است تحمیل شرایطی باشد که از نظر اجتماعی در این کشور قابل قبول می‌تواند باشد برای فضای مورد احتیاج، بهداشت ساختمان، مصالح و تسهیلاتی که واقع‌طبقات کم در آمد در جامعه می‌تواند از آن استفاده برد، وضع حد اقلی لازم است. امامی توان استانداردهای معمول طبقات متوسط را بر طبقات کم در آمد تحمیل کرد. دولت کوشش فراوان می‌کند واحدهای مسکونی مورد احتیاج را فرآ آورد، اما اگر مردمی که این خانه‌ها برای آن‌ها ساخته می‌شود نخواهند در آن زندگی کنند یا نتوانند در آنجا آسوده باشند صرفاً شماره هرچه بیشتر آپارتمان نشانه موقیت نیست. مسئله‌ای که نمی‌توان از آن اجتناب کرد، اگر انتظار داریم بخش اعظم امن خانه‌سازی را دولت به‌عهده بگیرد کیفیت پائین طرح‌های دولتی است که در همه جای جهان از ایران گرفته تاروسیه به میتوت رسیده است. بدینتر تیپ به نظر می‌رسد به محض آن که طراح معماري کاملاً نهاده شده باشد می‌شود و پعمرداد رسمی برای شناساندن همارت خود امید می‌بخندند نمکیفیت کار خود بلکه کیفیت طرح را یائین می‌آورد. مسئله دیگر این است که از پروژه‌هایی که هم‌اکنون ساخته شده درسی گرفته نمی‌شود و برای اصلاح کارهای آینده از درس‌های گذشته استفاده نمی‌شود. از تکرار اشتیاء می‌توان اجتناب کرد و در پروژه‌های جدید موقیت بیشتر بدهست آورده اگر به بنایهای ساخته شده مناجه شود و نتایج طرح‌های گذشته بررسی شود. آیا ساکنین واحدهای مسکونی ساخته شده واقعاً فضای های خانه‌ها را به همان منظور ساخته شده موردن استفاده قرار می‌دهند؟ آیا آن‌ها به طرح نخستین چیزی اضافه کرده‌اند یا قسم‌هایی را مورد استفاده قرار نمی‌دهند که بتوان در طرح‌های بعدی آنها را مورد نظر قرارداد؛ مصالحی که به‌کار رفته شده‌اند ناجه اندازه در عمل خوب از کار در آمده‌اند؛ هزارها خانه که در زمانی کوتاه ساخته می‌شوند با محصولات ساخته و پرداخته صنعت شاہست دارند و مانند تمام محصولات کارخانه‌ای موقع در مدل‌های جدید نسبت به مدل‌های قدیمی باید پیش‌فتی بوجود آمده باشد.

اما تازمانی که در سازمان‌های مسکن دولتی هیچ‌کس مسئول طرح‌های معماري نیست، علتی برای بهتر گردانیدن طرح‌ها بوجود نمی‌آید برای این که دولت از اندیشه‌های تازه برای طرح‌های خود برخوردار شود، لازم است آنها را به آرشیتکت‌های آزاد واگذارد. در عین معماران آزاد محرك طرح خوب نه تنها حسن شهرت است و با پادشاه مادی مناسبی برای ایشان است، بلکه بسیاری از ایشان که دل به حرفة خود باخته‌اند، شیوه‌یافتن راه حل‌های مقبول هستند. با شخصیتی که در عین معماران آزاد موجود کیفیت از ایشان طرح‌های بهتری از ایشان تواند شود نه تنها می‌توان از نظر کیفیت از ایشان طرح‌های بهتری از انتظار داشت بلکه قادرند جواب‌گویی تعداد لازم طرح نیز باشند.

درباره استفاده از روش‌های «پیش‌سازی» در تأمین مسکن در ایران، خاصه برای آن که تعداد موردنیاز در زمان لازم آمده شود، صحبت‌های زیادی شده است و کاملاً ممکن است که معماران آزاد بتوانند بر نساعه‌های جدید و عملی برای خانه‌های پیش‌ساخته در ایران تهیه کنند در اروپا خاصه روش‌هایی در پیش‌سازی معمول شده است که ممکن است بتوان از آن‌ها در ایران استفاده کرد. اما در هر حال نباید فراموش کرد که استفاده از شیوه‌های صنعتی پیش‌ساخته در ایران بتأثیر بسیار صورت گیرد تا کاملاً موافق با شرایط این آب و خاک باشد.

چنین دیگر خانه‌سازی که باید مورد مطالعه قرار گیرد، سیاست

۳۵ دروز

بحث... روز ساختمان

مقررات ساختمانی مدون نظارت بر کیفیت مصالح ساختمانی، نظارت سیستماییک بر اجرای ساختمان، سه موضوع بسیار قابل توجه و پر اهمیت در عرصه معماری ایران هستند. درحال حاضر که در منابع ذهنی این امر جزو بدبختیات معماری محسوب می شود، در ایران تقریباً فراموش شده است و تأثیر نامطلوب فقدان توجه به این امور بهمن آندازه برای معماری این کشور خطرناک است که وجود آنها می توانست مؤثر باشد. وقتی مقررات مذوونی وجود ندارد بسیار مشکل است که صاحب کار را فی المثل - به تعابیره یک «خر و جی» اضافی دریک ساختمان دفاتر کار که در مواقع آتش سوزی به کار آید قانع کرد. ساختن یک خانه مسکونی زیبا با آجر و قتی یک سال بعداز ساختمان، تمام آجرها کج و کوله شوند پیش از ارزش ندارد. ناراحت کننده است که پس از آغاز ساختمان یک بنا و در طول ساختمان نقشه های آن را باید چندین بار عوض کرد، چراکه هیچ کس نقشه هارا باهم هم آهنگ نکرده و نفهمیده که برای کمال های تهويه مطبوع باید جاهای مناسب، قبل از شروع به ساختمان پيش بیني می شد.

۳۶

مقررات ساختمان مدون

درکشوری که زلزله هر ساله خرابیهای جانی و مالی فراوان به بار می آورد شرم آور است که قوانین ساختمانی مدون بر ای پیش‌بینی و پیش‌گیری این امر و نظایر آن موجود نیست. وزارت آبادانی و مسکن اخیراً مقررات منوط به مصالح ساختمانی را که در ساختمان هائی به ارتفاع ممین و کار برده می‌شود فهرستوار تدوین کرده است.

این اقدامی است درجهت صحیح، اما در این فهرست هیچ اشاره‌ای به چگونگی استفاده از این مصالح به استثنای نکته‌ای مبهم درباره زلزله و باد نشده است و این مقررات به هیچ وجه نمی‌تواند جای یک سلسله قوانین بهم پیوسته ساختمانی را بگیرد.

زلزله اخیر که بین شیراز و بندرعباس رخ داد و دهکده‌ها و شهرهارا باخاک یکسان کرد، مثالی است زنده که نمی‌توان وناید مصالح ساختمانی جدید را هنگامی که نجود استفاده از آنها معین نشده و نظرات نمی‌شود به کار برد. ساختمان‌هائی که با آجرهای کارخانه‌ای ساخته شده بودند و یا اساس ساختمان آن‌ها از بتن بود. بهمن آسانی فرو ریختند که ساختمان‌های گلی وخشتی. واضح است که وزن سنگین بتن الیه خسارتخانی بیشتر وارد آورد. نتیجه فرم‌آنکیز این واقعه این است که افکار عمومی که از فن ساختمان مطلع نیست و نتایج شوم استفاده از مصالح ساختمانی جدید را به این ترتیب می‌بیند، تصور می‌کند که خانه‌های گلی از ساختمان‌های ساخته شده بهشوه جدید این‌تر است. از یک جانب تیمهای مجهن آماده‌کمک به قربانیان زلزله می‌شوند این کار آنقدر در این کشور صورت پذیر فته است که تیمهای کمک اکون کاملاً در کار خود متوجه شده‌اند و این کار خود به صورت حر فهای درآمده است و از جانب دیگر باز اجازه می‌دهیم که ساختمان هائی ساخته شوند که باز با یک زلزله بدمیوار مرگ زائی مبدل شوند.

وضعیت در شهرهای بزرگ ایران از این بهتر نیست. قوانین ساختمانی شهر تهران محدود است تنها به نسبت مساحت زیر بنا به اندازه قطعه‌زمین و فضای مورد احتیاج پارکینگ و مصالح ساختمانی بنا های بلند. هیچ مقرراتی موجود نیست که از روش‌های ارزان ساختمان که بنا سازها و کنترات‌چی‌ها از خود اختراع کرده‌اند، مانند حذف خروجی احتیاط برای موقع حريق و نظایر آن و یا کار گذاشتن تیریک ساختمان بر دیوار بنای مجاور ممانعت کند.

اما هرگاه به تدوین مقررات ساختمانی جامع اقدام شود باید با نظر آرشیتکت‌های دست‌اندرکار، مهندسین، مقامه کاران ساختمان، محققین فن ساختمان و سرمایه‌گذاران تدوین شود و دولت نقش هدایت آنها را به عهده گیرد. ترکیب مقررات ساختمانی کشورهای راقیه با تجاری بین که خود ما در فن ساختمان در این کشور به دست آورده‌ایم لازم است. اطلاعات نظری تنها مفید فایده نیست.

بر کیفیت مصالح مورداً استفاده در ساختمان و روش‌های ساختمانی باید مقرراتی وضع شود تا خطرات مالی و جانی پیش‌نیاید و این کار خاصه باید از شهرهای بزرگ آغاز شود. سرنوشت ساختمانی یک شهر ۴ میلیونی را نمی‌توان به مقررات آنی واگذشت.

نظرارت بر کیفیت مصالح ساختمانی

نمایندگان سازمان ملل در سازمان برنامه و تیمهای فرستاده سازمان ملل که وضعیت ساختمانی ایران را از نزدیک مشاهده کرده‌اند نظر داده‌اند که باید هر کن تحقیقات ساختمانی در این کشور به وجود آید، که تنها درباره روش‌های ساختمانی تحقیق کند بلکه بر اساس کیفیت مصالح ولو از مصالح ساختمانی آن‌ها را درجه‌بندی کند (گزارش‌هایی در این باب از دفتر سازمان ملل در تهران می‌توان به دست آورد). تأسیس مرکزی در این کشور فوریت بسیار دارد. فعالیت ساختمانی با وسعت و میزان بسیار در ایران ادامه دارد اما هیچ سازمان مسئول موجود نیست که بر کیفیت مصالح ساختمانی که برای ساختمان‌های جدید تهیه می‌شود نظارت کند.

تها وسیله‌ای که آرشیتکت‌ها می‌توانند از این روال ناپسند جلوگیری نمایند این است که باید صاحب‌کاران را متوجه امرکنند و در متن قرارداد بگنجانند که تمام مدارک لازم برای ساختمان باید قبل از آغازار به کار تهیه شود وسیله دیگری که بر حل این مسئله می‌تواند مفروض باشد، استفاده از روش پیراسته «خط سیر سریع»^۱ می‌باشد که در کشورهای متعددی گاه‌آزان استفاده می‌شود. بدین معنی که مرحله اجرای ساختمان قبل از پایان طرح آغاز می‌شود اما با روش‌های دقیق اندیشه‌یده به تدریج و در مراحل مختلف اختیار تغییر طرح عرصه‌اش تنگتر می‌گردد، یا به عبارت واضح‌تر طرح حاکم بر اجرای ساختمان نیست.

بلکه اجرای ساختمان نیز متعاقباً بر طرح تأثیر می‌گذارد. استفاده از روش «خط سیر سریع» تها وسیله برای سرعت در امر اجرای ساختمان نیست. اگر مدارک اجرای ساختمان کلاماً و به دقت مشخص و به دقت هم آهنگ شده باشند می‌توان با استفاده از روش «انتخاب بپرین طریق»^۲ هم برای خرید مصالح ساختمانی وهم برای اجرای ساختمان بر نامه منظم ریخت و بهترین و کوتاه‌ترین راه انجام ساختمان را انتخاب کرد.

این روش که آن را به اختصار C.P.M. (سی - پی - ام) می‌گویند، چندبار در ایران آزمایش شده است و می‌توان که از آن استفاده کرد. البته متوجه مشکل حاضر نبودن مصالح ساختمانی به موقع و کارگر مجروب ساختمانی هستیم.

بسیاری از جنبه‌های دیگر اجرای ساختمان موجود است که باید رعایت واجرا شود. از جمله ایجاد حریم برای تعاملات ساختمانی در دست اجرا است و نه صرفاً برای چند ساختمان در بخش‌های مرکزی شهر. خاصه باید این حریم‌ها طوری طرح شوند که جا برای عبور ابری پیاده در گوجه‌ها و معابر باقی بماند. مصالح مورد احتیاج ساختمانها باید طوری در نزدیک ساختمان در دست اجرا ابیار و ابان شوند که مزاحم عبور اتومبیل و وسائل نقلیه دیگر فشوند درحال حاضر به هنگام اجرای ساختمان مقدار زیادی از مصالح به هدر داده می‌شود. این نکته البته در مرحله اول در مسؤولیت مقاطعه کار ساختمان است، اما آرشیتکت باید پس از کار مقاطعه کار نظارت کند و او را از هدر دادن مصالح ساختمانی باز دارد.

اگر بتوانیم برای پاره‌ای از مسائل که در این مقاله بدانها اشاره کردیم راه حلی بجوئیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که دست کم جنبه‌های عملی ساختمان در این کشور کشود اعتلاء یافته است، که این خود به اعتلاء معماری این کشور کم خواهد گردید.

پایان *

Fast track Method -۱ Crirical Path Method -۲

*مقالات، آلودگی، مسکن و ساختمان توسط آقای دکتر منوچهر مزینی از متن چاپ شده در بخش انگلیسی ترجمه شده است.

آجرکه یکی از مصالح قدیمی ساختمان در ایران است به درجات خوب و بد موجود است اما معلوم نیست آن آجرهای که تقریباً خوب شناخته شده‌اند همه این کیفیت را واجد باشند. اغلب آجر پس از یک باران زمستانی مقاومتش را از دست می‌خورد و با علاوه «آب» می‌شود و چون هیچ سازمان نظارت بر کیفیت مصالح ساختمانی و دست‌بندی آن‌ها موجود نیست، شخص صرفاً باید بر اساس تجربه و فهم محدود آجر کدام کارخانه بهتر است. حتی اتحادیه نولید کنندگان آجر هیچ مسئولیتی برای دست‌بندی و درجه‌بندی کیفیت محصولات اعضا خود به عهده نگرفته است.

البته وضع نایمه‌نگار تنها در مورد آجر نیست که صدق می‌کند، آن را به عنوان مثال در روش داشتن مسئله‌ای که با آن روبرو هستیم یاد آور شدیم.

یک مرکز تحقیقات ساختمانی که مصالح ساختمان را بر حسب کیفیت آنها دست‌بندی کرده و برای مصالح حداقال شرایط لازم را وضع کنند و بر رعایت شرایط حداقال از جانب تولیدکنندگان مصالح ساختمانی نظارت داشته باشد، کمک ذی‌قیمتی به آرشیتک‌ها و مقاطعه کاران ساختمانی خواهد کرد و وجود مصالحی که بتوان بدان اعتماد کرد به طور کلی کیفیت ساختمان را بالا می‌برد.

نظارت بر اجرای امر ساختمان

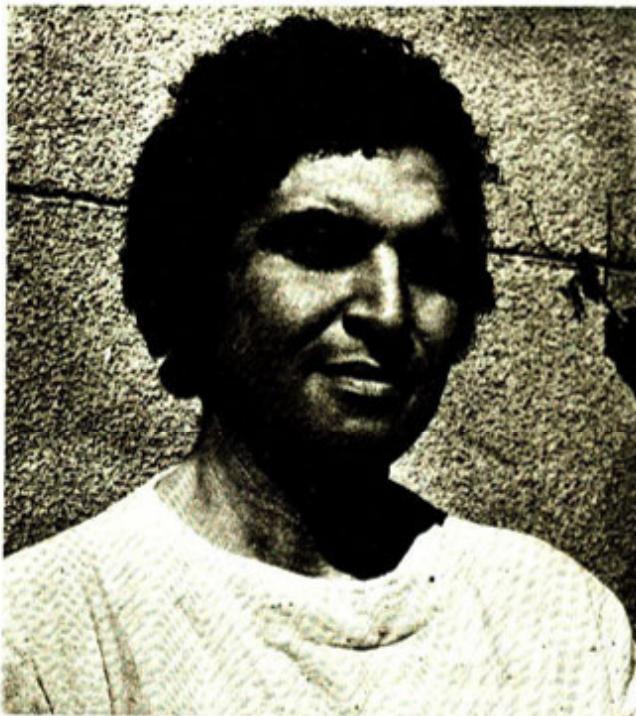
چندبار دیده‌اید که لوله‌های آب از درون اطاق پیدا است و روی آن را گچ گرفته‌اند؛ دلیل این امر اینست که جای لوله آب در جائی در فلز گرفته شده که تیر نگاهدارنده ساختمان از آن می‌گذشت و ناگزیر این «غوزک» زشت را پیدا آورده است. اشتباهاتی مانند این را که ناشی از عدم هم آهنگی نقشه‌های استخوان‌بندی ساختمان، نقشه‌های تهویه مطبوع و حرارت مرکزی، نقشه‌های برق و نقشه‌های لوله‌کشی آن است نمی‌توان بخشد اما نگار آنها تقریباً همیشگی و همه جائی است زیرا این نقشه‌های ساختمانی در اکثر موارد چندان فاقد جزویت‌های اندک که اصولاً نمی‌توان آنها را باهم تطابق داد و هم آهنگ کرد.

دوم آنکه به فلز نمیر نمیر سدهیج کس از متخصصین بخواهد مسئولیت این هم آهنگ را بفیول کند، واضح است که این هم آهنگ کردن نقشه‌ها بمسئولیت مستقیم آرشیتک است که نقش رهبری تیم متخصصین طراح و سازندگان ساختمان را بمعهده دارد وهم او است که باید مطمئن شود که مقاطعه کار ساختمان علاوه مطابق نقشه‌ها بنا را می‌سازد.

اما فقدان هم آهنگی تنها مسئله ما در عرصه ساختمان بنایها نیست. تمدا بسیاری از ساختمان‌ها بعد درازی ساختمان‌شان به طول می‌انجامد و در نتیجه بسیار بیش از معمول گران تمام می‌شوند، دلیل این امر آن است که بن آنکه تمام نقشه‌ها واقعاً حاضر شده باشند و هم آهنگ آنها واقعاً به عمل آمده باشد، ساختمان شروع شده است

تصور باطل معمول این است که هرچه زودتر عمله و بناها آغاز به کار کنند ساختمان زودتر به اتمام می‌رسد. صاحب‌کاران اغلب متوجه نیستند که اگر اساس ساختمان یک بنا از آغاز تا به آخر متخصص نباشد، و در جریان ساختمان مرتب تغییر یابد چگونه امر ساختمن دست‌خوش هرج و هرج می‌شود و نتیجه رضایت‌بخش کار به هیچ وجه معلوم نیست.

کارهای مسعود عربشاهی

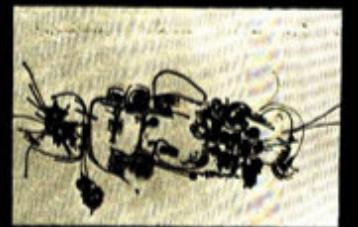


مسعود عربشاهی در سال ۱۳۱۴ در تهران تولد یافته است. پس از تمام کردن دوره دبیرستان وارد هنر کارهای هنرمندان تهران شده و در سال ۱۳۴۶ رشته معماری تزئینی آن دانشکده را پی‌سایان رسانیده است.

نمایشگاه‌های متعددی از آثار وی ترتیب یافته که بعضی از آنها را نام میریم:

- ۱۳۴۲ - اولین نمایشگاه در انجمان ایران و هند.
- ۱۹۶۷ - نمایشگاه شخصی در گالری موتیس فرانسه
- ۱۹۶۷ - نمایشگاه موزه هنر ملدن فرانسه
- ۱۹۴۴ - نمایشگاه از کارهای کنده کاری در دانشگاه تهران
- ۱۳۴۷ - نمایشگاه در گالری سیحون
- ۱۹۶۹ - نمایشگاه هنر معاصر در آمریکا
- ۱۳۵۱ - نمایشگاه گالری لیتو - تهران

ضمناً در بینال چهارم وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۳ و نمایشگاه روز مادر در سال ۱۳۴۴ برنده اول شناخته شده است و در بینال پاریس در سال ۱۹۶۵ نیز شرکت داشته است.





کمپوزیسیون:
۱۳۴۹ - رنگ و روغن روی بوم - ۱۳۰ × ۱۳۰



کمپوزیسیون:
۱۳۴۹ - رنگ و روغن روی بوم - ۵۰ × ۴۰



کمپوزیسیون:
۱۳۴۸ - رنگ و روغن روی بوم - ۱۲۰ × ۱۰۰



کمپوزیسیون:
۱۳۴۹ - رنگ و روغن روی بوم - ۱۲۰ × ۱۲۰

عکس قسمتی از دیوار سالن کنفرانس شیر و خوارشید.



کارهای اولیه عربشاهی بیشتر روی بوم و بارنگ و روغن است. بعد باختن پیکرهای پرداخت، زیان‌برین نمودهای فکری وی روی کارهای فرسک و کنده کاری نمایان شده است، از اولین کسانیست که کار تزئین نما و قسمت‌های داخلی ساختمان را بطرز جدیدی آغاز کرد.

آتوهای اولیه که برای تزئین سالنها نموده است بیشتر نقشه یک شهر میماند، و فرم کارهای وی دارای روحیه زندگانی است.

چند نمونه از کارهای عربشاهی را میتوان بشرح ذیر نام برد:

۱- فرسک شمالی و جنوبی اطاق صنایع و معادن ساخته دکتر هوشنگ مرجان، که هر یک بسرروی بدنه‌ای با بعد 29×6 متر نقش یافته و ششماه طول کشیده است.

۲- تزئین دیوارهای ساختمان مرکز



مدیریت که درحال حاضر ادامه دارد.

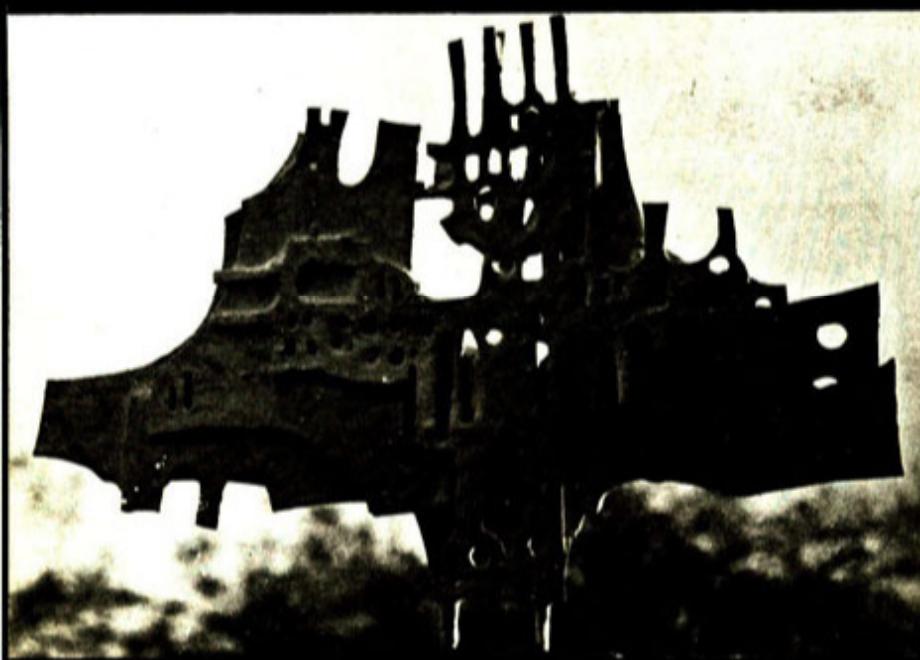
۳- تزئین سالن کنفرانس بین‌المللی جمعیت شیروخورشید سرخ ایران که از آثار مهندس مقتصدی باشد. تمام دیوارهای این سالن با بعد ۱۱ متر ارتفاع، ۳۰ متر طول و ۱۵ متر عرض از سفال ساخته شده و همه خطوط بدست خود عربشاهی روی سفال خام طرح و بعد از کنده کاری بکوته فرستاده شده است و در آنجا رنگهای زیبائی بخود گرفته که بر شکوه این کار افزوده است و این تزئین نتیجه سه سال کار عربشاهی است.

آثاری که در این شماره بچاپ رسیده شامل نمونه های متعدد از سبکهای مختلف کار او می‌باشد. ضمناً در زمینه کار عربشاهی بررسی مفصل‌تری در مسورد نقش سفال در معماری انجام یافته که در شماره‌های بعد چاپ خواهد شد.



ماکت پروردۀ بیشناهدی برای میدان شهیاد که برنده
اول شناخته شد.

اندازه اصلی پیش‌بینی شده: ۴×۱ متر.



ماکت برای پیکره:
۱۳۵۰ سانتیمتر - ۲۵×۱۵×۵



ماکت برای پیکره:
۱۳۵۰ سانتیمتر - ۲۰×۲۰×۵

ماکت فرسک ساختمان صنایع و معادن: اندازه اصلی ۶×۲۹ متر





چوب بسته‌ها که هنوز برداشته شده در عکس‌ها دیده می‌شود.



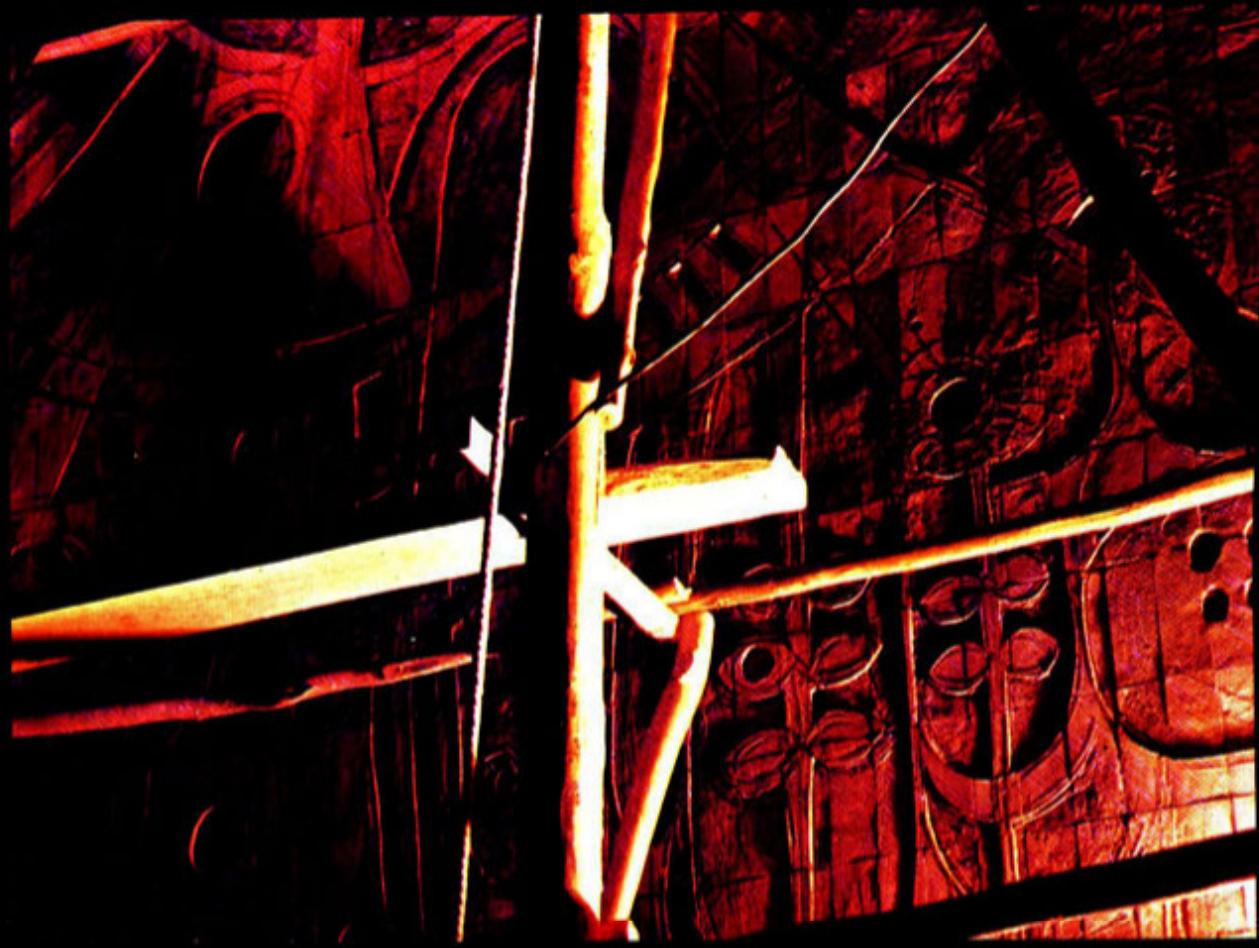
۱۴



چند عکس از قصه‌ای مختلف سالن کنفرانس جمعیت شیروخورشید سرخ.

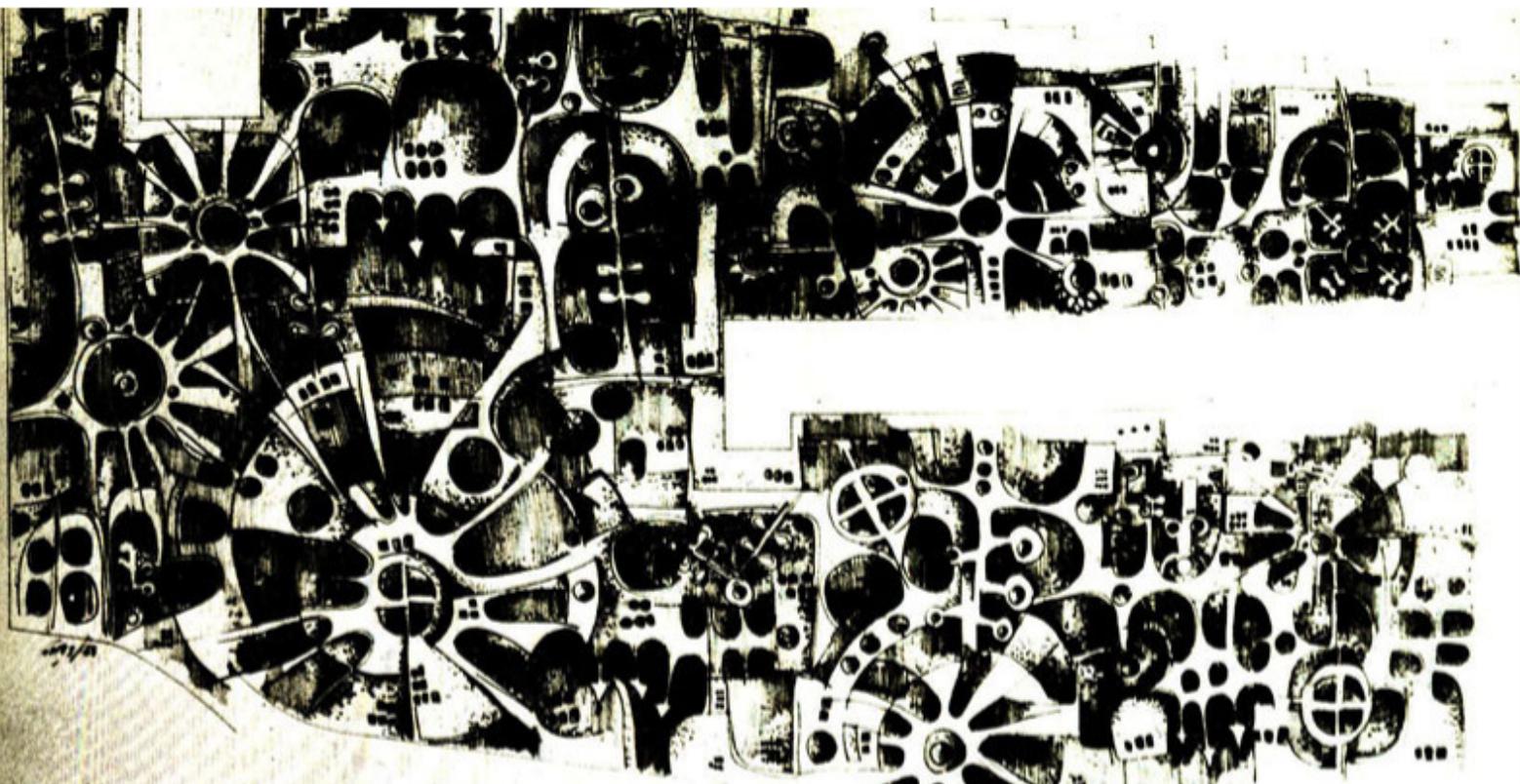


۶۲



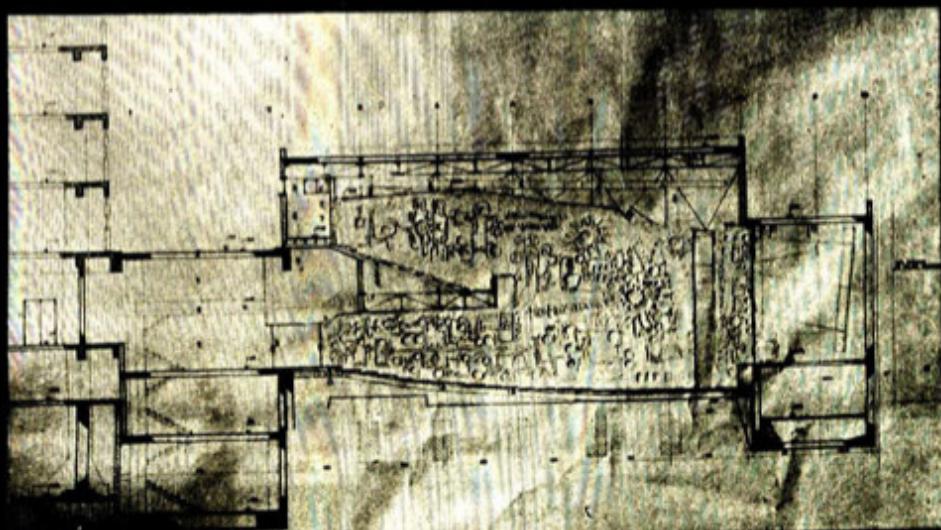
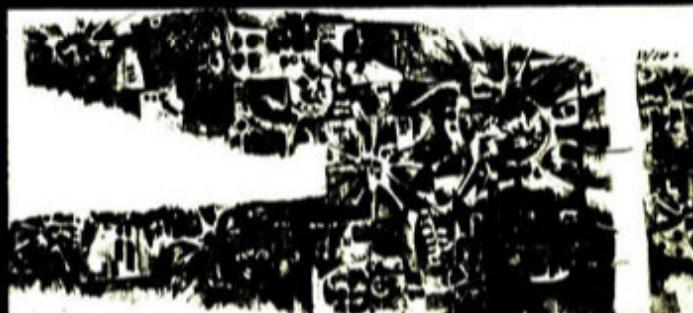
دوعکس از دیوار سالن کنفرانس





۱- اتوداولیه برای دیوار سالن کنفرانس شیر و خورشید که پذیرفته شد.

۳۹۳- چند اتود کنده کاری شده برای سالن کنفرانس
که طرح ساختمان آن از مهندس آرشیتکت مقتدر
است .



GONBADE GHABOUSSE

از : محمود توسلی
دانشجوی دانشگاه تهران



گنبد قابوس

گنبد قابوس

گرگان مربوط به پارک آنیا «طبرستان» میشود. هیر کایا در همسایگی پارت قرار داشته و پارت تقریباً خراسان امروزی بوده است. پارتها مانند همسایگان ایرانی خود در غرب و جنوب ایران همه از نزد آذربایجانی بوده اند ولی درخون ایشان از نژاد مردم خزر وجود داشته است و این همخوئی شباهتی را در طول تاریخ در طرز فکر اجتماعی هردو نشان داده است.

بررسی حمله اعراب به ایران در ناحیه شمالی و خراسان احتیاج به تعمق پیشتری نسبت بسایر نقاط ایران دارد و از نوشته های تاریخی چنین بر می آید که اعراب پکنی تو انتستند در ناحیه شمال ایران نفوذ کنند و ایرانیان در ناحیه شمال با آسانی زیر تسلط خلفاً در نیامندند.

شادروان سید احمد کسری در یادداشت های که ازاو در مقامه کتاب سید اظفیل ابی الدین مرعشی نقل شده است میگوید: «اشاره ای که به تاریخ ایران آشنا هستند میدانند که قطعه طبرستان یا مازندران از نظر تاریخی اهمیت مخصوصی دارد و بواسطه داشتن کوه های بلند و جنگل های انسو و راه های تنگ و باریک و سایر استحکامات طبیعی همواره محل توجه و پناهگاه سران سر کش و اشخاص داعیه پرور و از اباب دعوت و سرچشمۀ جریانات وحوادث مهم بوده طبرستان را همین امتیاز بس که همه وقت در مقابل سیل هجوم ا جانب از اسایر نقاط ایران پیش مقاومت ورزیده و بوج تسلط بیگانگان را دیرتر به گردن خود پذیرفته است».

در سده های اول اسلام خطوط و زبان پهلوی در ناحیه مازندران متداول بوده و سکه هایی که در این قسمت ضرب می شده دیرتر نوشته عربی بر آن قرار میگیرد و سالهای زیادی هنگامی که اعراب تمام نواحی ایران را گرفته بودند هنوز خط پهلوی زینت بخش هنر این سامان بوده است. وجود خط پهلوی و کوفی بر قسمت بالای بدنه برج لاجیم (سود کوه مازندران) که مر بوط به دوران آلمی زیار در سال ۴۱۳ هـ می شود، دلیلی است روش بر حکومت ناقص و متزلزل اعراب بر این قسمت از ایران نزدیم.

سلسله آلمی زیار که در گرگان حکومت کردند بدست مرد آویزیا مرد آویج فرزند زیار که از یک خانواده قدیمی گیلانی بود بنا نهاده شد. این سلسله در بازگرداندن ایران به شکوه و جلال دوره ساسانی کوشش فراوان نمودند.

فرزندان زیار از سال ۳۱۵ تا ۴۷۰ هجری بر نواحی شمالی ایران سلطنت کردند. مشهور ترین پادشاه این خاندان قابوس فرزند و شمشیر است.

قابوس نویسنده ای زبردست و متفکر بود، خوب میتوشت و خوش شعر میسرود و به زبان عرب تسلط تمام داشت. با تمام این احوال کتب تاریخی معتبر و قابوس نامه در حالی که از صفات پسندیده وی سخن میراند اورا مردی تندخوا، آدمکش و سیاستمداری افراطی معرفی می کنند که بی پروا به کشتن اطرافیان، غلامان و شکریانش فرمان میداده است. همین خصلت باعث شد که مردم ازوی روی گردانند و نسبت با او احساس تغیر کنند. تا اینکه سرانجام لشکریان براوشوریدند و اورا خلخ و فرزندش منوچهر را که در آن زمان حاکم جزء بود به پادشاهی بسر گزیدند. لذا قابوس را به قلعه چناشک (قلعه ای در نزدیکی استرآباد) فرستادند. برخی از مورخین میتوینند که وی در آنجا از شدت سرمه‌هلاک شد. پاره ای دیگر بر این عقیده اند که چون لشکریان

گذشته از اینکه آشنازی با تاریخ اجتماعی و هنر و موقعیت جغرافیائی ایران و خصوصیات اقلیمی شناخت معماری ایران قسمه های را شامل می شود که هر یک بجای خود در ایجاد آثار با ارزشی که امروز بجا مانده است تأثیر داشته اند، مسائلی مانند بررسی نسبت و هندسه در معماری ایران، روش نمودن جزئیات فنون و تکنیک ساختمانی و زبانه کاری های بنائی، مطالعه مصالح ورنگ اگر به همت فرزندان این مرد و بوم روش گردد، نتیجه عالیتر و بهتری خواهد داشت. چه ایشان بیهوده میتوانند تأثیر آب و هوای خلق واندیشه مردمی را که در میان آنها زندگی میکنند بر ساختمنهای آن بفهمند و جزئیات آنرا روش کنند. فهم این خصیصه ها علاوه بر اینکه از تکرار بیفاایده عناصر معماری گذشته در حال حاضر آنهم بطور تابجا و بی تناسب میکارد، کوشش های را که در راه پیش بردن معماری می شود، بی نتیجه نمیگذارد. چه آنچه که بعنوان رموز ساختمانی و شکل و وظیفه در معماری گذشته میتوان یافت چیزی است که برای تکوین و تکامل، فرنهای روی آن کار شده است و با بهانه کردن تکنیک مدرن و بی اعتمایی به تجزیه بیات گذشته و از طرف دیگر بکار بردن همان سنگ و آجر و رسیدن به تابعی که خود شاهد آن هستیم کاری از پیش نمیرود.

گنبد قابوس که در اینجا مورد مطالعه قرار گرفته است، یکی از شاهکارهای معماری ایران بعد از اسلام است که ارزش جهانی دارد، و با وجود قدیمی که این برج نسبت به برج هایی از این نوع دارد، سالمتر مانده است و این بیشتر بخاطر مصالح و شکل مقاوم و ترکیب قوی بناست.

علاوه بر اینکه استفاده از منابع ذکر شده در آخر این نوشته راه شناسائی دقیق بنارا هموار نموده است. بازرسی دقیق بنا امکان ترسیم عناصر معرف برج را میسر نمود.

هدف اساسی از ترسیم مقطع و نما، صرف نظر از اهمیتی که این دو جزء در معرفی بنا دارند یعنی بردن به تنشیات هندسی برج بوده است که پس از صرف وقت فراوان ممکن گردید.

در ولایت استرآباد یاگر گرگان امروز، دشت گرگان و در تپه ها و نقاط کوهستانی آن شانه هایی پر از ارزش از تمدنی کهن مر بوط به دوره های پیش از اسلام و دوران اسلامی یافت می شود و در بعضی از حفاری هایی که در طبقات باستانی عصر حجر شده کوزه های قدیمی مر بوط به هفت هزار سال پیش کشف شده است.

گذشته از جستجوهای باستانشناسی، روش نگار اوضاع زندگی و روابط اجتماعی مردم و فرم انتروپی پادشاهان و امیرانی که بر این سرزمین حکومت کرده اند. سفر نامه ها و کتابهای متعددی است که توسط محققین ایرانی و خارجی نوشته شده است.

دشت گرگان نخستین جانی بود که مهاجمین آسیایی بدان قدم گذارده اند. این سرزمین بدان سبب که سرده اغار نگران و جنگجویان آسیایی که از شرق به غرب هجوم می آورده اند قرار داشته، متهم ساخته اند. ویرانیها و خاوهوشیها و فراوان شده است. حملات وقت و بوقت اقوام شمالی سبب می شده که مردم این ناحیه همیشه آماده دفاع باشند.

سابقه امکان بازگشت وی را برای انتقام میدانستند. از زندانی کردن او نیز هراس داشتند و برای اینکه خیالشان آسوده شود ناینگام به خوابگاه او رفتند و اورا کشتد.

گند قابوس که در این نوشته مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است، با مر قابوس و در زمان حیات وی ساخته شده است. ده کتیبه به خط کوفی روشن کننده تاریخ و نام بانی بناست.

پیش تاریخ نویسان براین عقیده اند که قابوس این برج را از ابتدای برای آرامگاه خود در نظر داشته، پاره‌ای دیگر چنین عقیده دارند که فکر او لیه ایجاد یک بنای پادبود بوده که در عین حال راهنمای کاروان‌ها در دشت گران باشد و بعد از مرگ قابوس وی را در آنجا دفن کرده اند.

در معماری ایران به چنین بناهای معظم و کشیده‌ای بنام «مل» که در طول راهها برای تعیین مسیر کاروان‌ها احداث می‌شده است، زیاد بر میخواهیم. شکی نیست که گند قابوس چنین وظیفه‌ای را حتماً دارا بوده است.

آندره گدار مینویسد: «... در هیچ جای بنا پله‌ای نیست که به بالا راه داشته باشد.» وی در جای دیگر با اشاره به حفریات روسها در وسط برج نتیجه می‌گیرد که: «پس می‌شود گفت که قابوس در زمین دفن نشده است.»

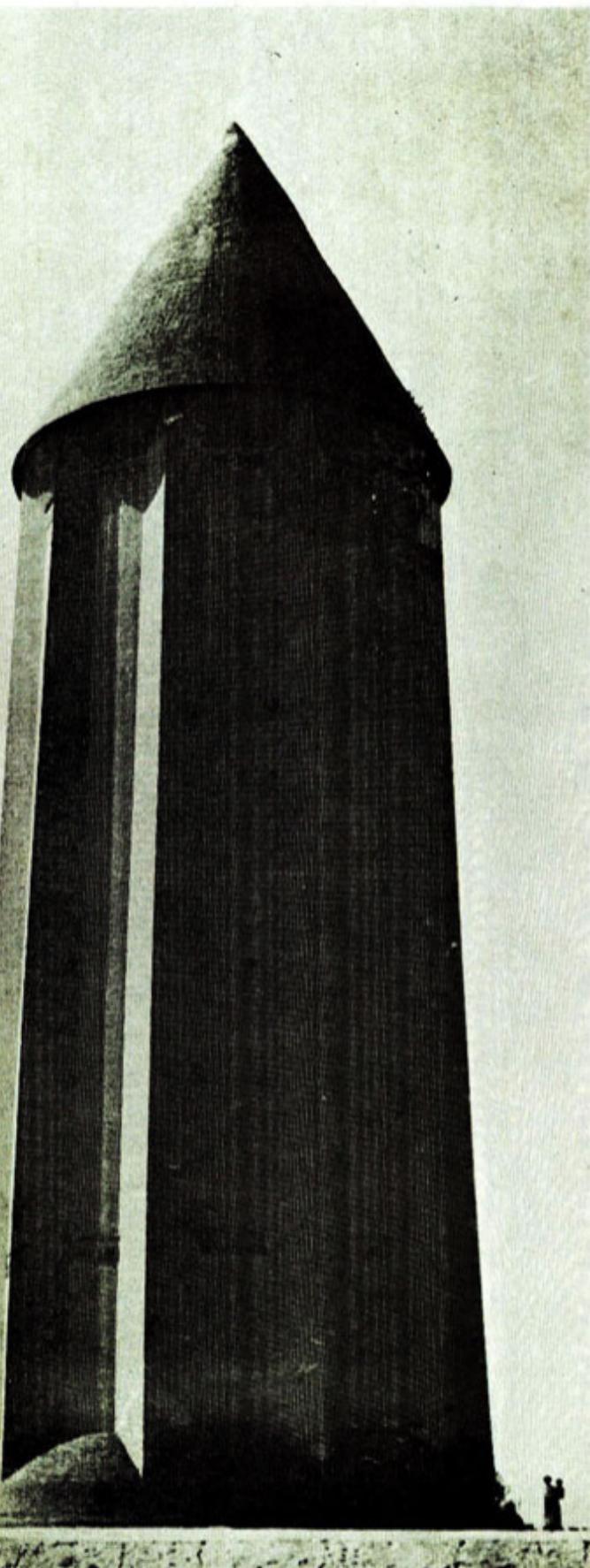
گدار در این بحث اشاره بهتر کیب برج می‌کند و عدم دسترسی پالا را در گفخار خود پراهمیت جلوه میدهد و سرانجام می‌ذیرد که: «پس ناگزیریم که گفته افسانه‌ای «جنایی» را باور کنیم که: کالبد قابوس در تابوت بلورین قرار دارد و این تابوت بوسیله زنجیرهای در داخل گند مقبره‌اش معلق است.

از طرف دیگر مشکل بنظر میرسد که قابوس اشیاء قیمتی را بسادگی روی زمین در داخل برج قرارداده باشد بطوری که فقط با یک در چوبی و احیاناً فلزی محافظت شود. رایینو در سفرنامه خود مینویسد:

«... در وسط کف برج یک سوراخ مستطیل شکل بوده که فعلاً پر از خاک است در آنجا بدون شک كالبد قابوس بن وشمگیر پادشاه جرجان قرار داشته که سنگ قبر آن مفقود شده است... یکی از سران گیلان به خیال اینکه گنجی در زیر یام آن پنهان کرده اند، امر داد گردان برج را خالی کنند و گویا فقط باشیدن عندر اینکه آن کار ممکن است موجب تلف شدن جان تمام عمله‌ها بشود از اجرای قسد و حشیانه خود چشم پوشید.»

در کتاب استرآباد نامه چنین آمده است: «... و ثانیاً مقبره قابوس بن وشمگیر موافق ثبت تواریخ نباید در این گند باشد ولی تا کنون آثاری از مقبره علی الظاهر پیدا شده و سه سال پیش جهت کشف مقبره کف خالی گند را بقدر ۱۴ ذرع کنده اند چیزی معلوم نشده مایوس گشته، پر کرده اند ولیکن از قرار معلوم بعداً روسها محramانه راهی به مقبره پیدا کرده اند و اگر حقیقت داشته باشد البته چیزها و اشیاء نفیسه بددست آورده و یا خواهد آورد.»

گند قابوس بر بالای تپه‌ای که از زمینهای اطراف تقریباً ۱۵ متر بلندتر می‌باشد قرار گرفته است. آندره گدار مینویسد: «بلندی نمایان برج بلندی واقعی آن نیست چون تپه‌ای که برج روی آن بناسده تا حد زیادی مصنوعی جلوه می‌کند در سال ۱۸۹۹ روسها تصویری را مینی بر اینکه زیر برج یک دخمه زیر زمینی وجود دارد ایجاد نمودند و برای



اثبات این مدعای میله استوانه‌ای شکلی را در وسط کف برج تا عمق تقریباً ۱۴ آرшин یعنی $10\frac{1}{4}$ متر فروکردند. در این عمق پی آجری همچنان ادامه داشت. در نتیجه روسها موفق نشدند که پایه اصلی بنای نسبت بسطح زمینهای اطراف پائین تراست دست یابند.»

شکل نمایان برج شامل قسمتهای زیر است:

صفه زیر که از سطح زمین $1\frac{1}{4}2$ متر ارتفاع دارد. طرفه مخروطی که ده ترک بنای آن نشسته است. بدنه بنا که از طرفی شکل دهنده فضای داخل برج است و از طرف دیگر در خارج بوسیله ده ترک بطور مساوی تقسیم شده است.

ترکها یا پشتینهای طره زیرین را به طرحهای همانند در بالا می‌بندند و سرانجام بر فراز این همه کشیدگی بطرف بالا گند مخروطی وزین، پرمعنی و شکوهمند جای گرفته است. زاویه ترکها قائم است این علاوه بر اینکه کار آجر کاری را ساده می‌کند بر مقاومت ترک نیز می‌افزاید. رویهای ترک شبیب و زاویه مناسبی نسبت به قسمتی از بدنه که مابین دو ترک محصور است پیدا می‌کنند و در نتیجه مجموع تورفتگی و برآمدگی دوجزه و درهای کلی ساختمان به چشم خوش آیند است.

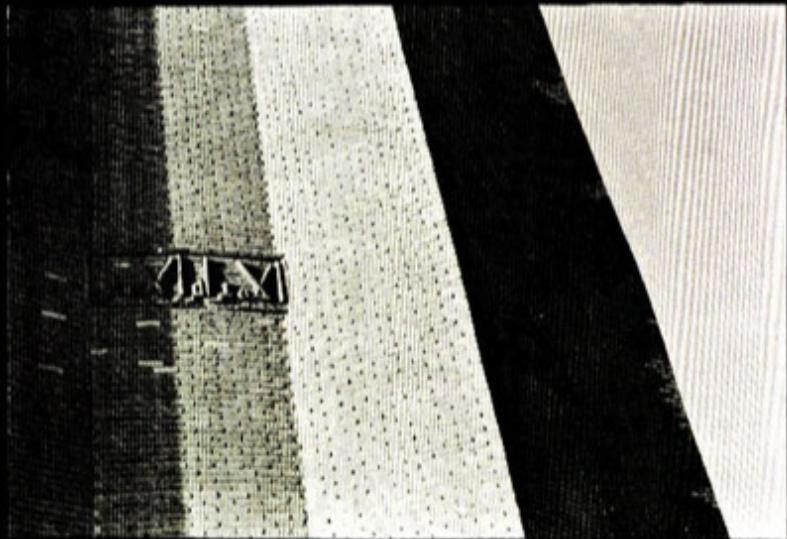
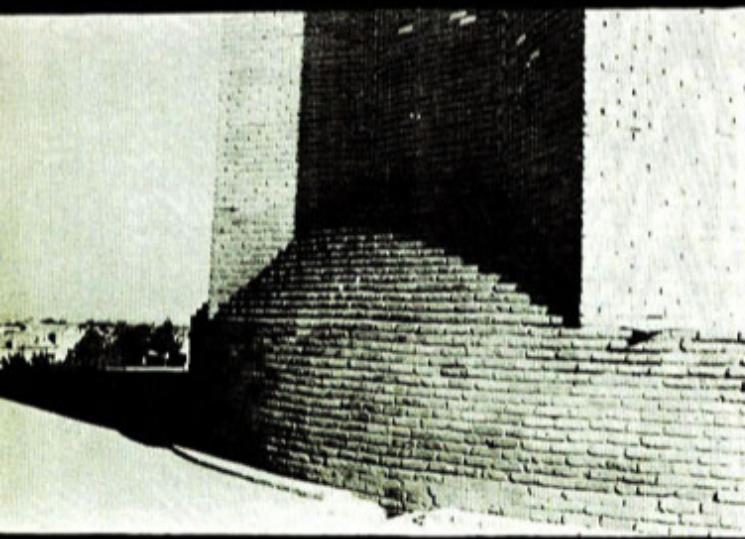
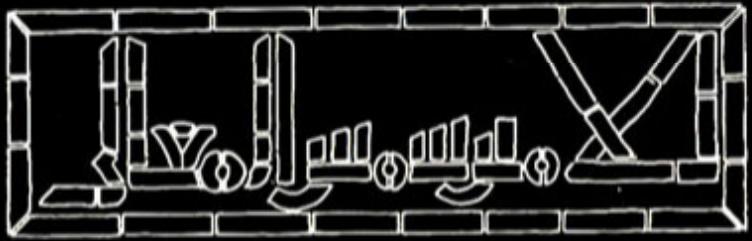
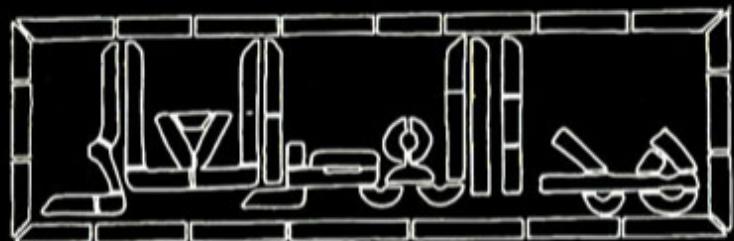
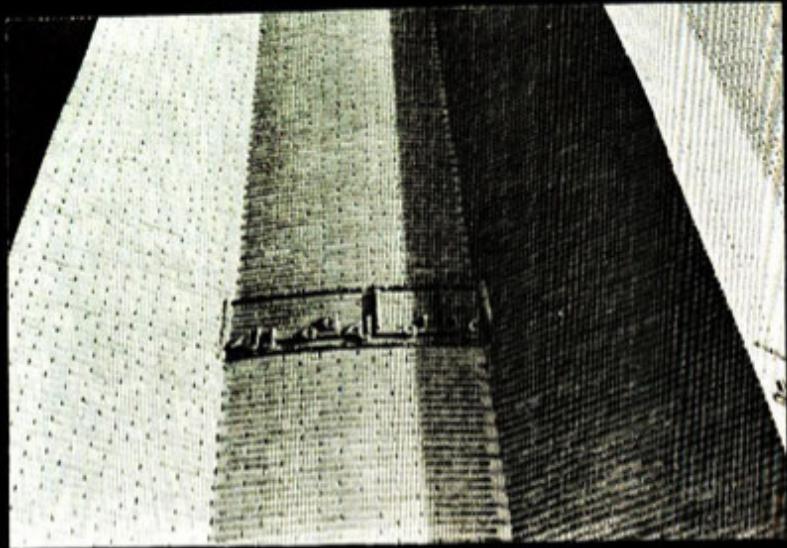
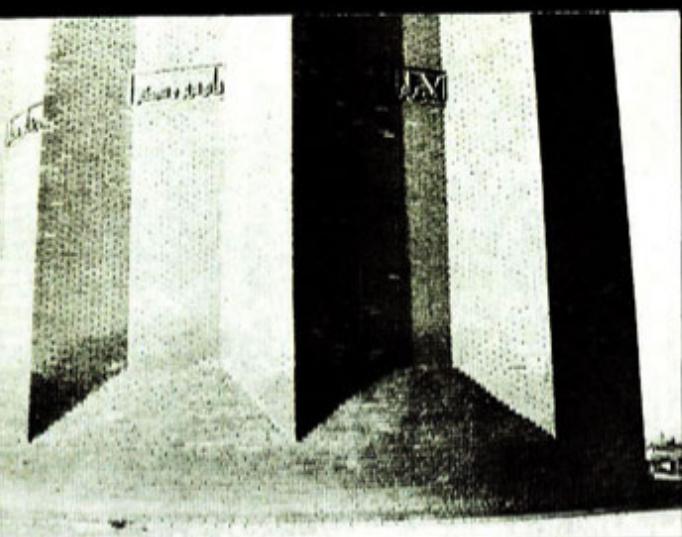
ترکها علاوه برداشتن دلیل ساختمانی که بصورت شمع و پشتینهای قوی بوده توده وزین برج را در میان میگیرند از لحاظ شکل نیز در خور تعمق می‌باشند. با این معنی که حالت کشیده‌ای به بدنه میدهند که آنرا به چشم خوش آیندتر مینمایند وهم این حالت نسبت زیانی را بین بدنه و مخروط گندید برقرار می‌کنند. در حالیکه اگر بدنه بر جم مخروطی ساده می‌بود، علاوه بر اینکه خصوصیات بالا ارزش کمتری پیدا مینمود، اشکالی نیز در طرز آجر کاری و صاف در آوردن بدنه مخروطی وجود داشت که این مسأله همواره ایرانی را بر آن میداشته که سطوح صاف را بصورتی بشکند و یا تقسیم‌بندی نمایند تا هم ناصافی آن از بین برود وهم حالتها را که مورد نظرشان بوده بوجود آورند. در مقابل بر جی، مانند برج علاء الدین در زرامین (۵۶۸) و میل رادکان قوچان (اواخر دوره سلجوقی، قرن ۶ ه) و نمونهای بیشمار دیگر حالت یکتوختی بدنه خارجی را ازین برده‌اند.

ترکیب اجزاء بنا با هم استادانه است، و هر قدر که بیرون قسمت‌ها بهم بیشتر دقت شود قدرت اندیشه استاد معمار در بهم‌بستن اجزاء بنا بیشتر جلوه می‌کند. بطوری که هیأت کلی بنا یکپارچه بمنظور میرسد. ترکها چنین بمنظور میرسد که از زمین برخاسته و همانند پنجه‌های قوی در بالا مخروط گندید را نگهداشته‌اند، واز بالا و پائین که نظر اذکیم، چنین احساس می‌شود که گند مخروطی بر طره بالائی و انتهای ترکها نشته تمام وزنی را که در بالا احساس می‌شود، با ترکها بر طره پائین و بدینوسیله بر صفحه مدور و بر زمین مینشینند. یعنی احساس سنگینی از بالا پائین با چشم به‌زمین دنبال می‌شود. حالت استحکام و حسن پایداری بنا معلوم همین طرز ترکیب قوی است.

برش افقی گندید قابوس در بدنه ستاره‌ای است. این نوع بناها که نقشه‌هایشان معمولاً به شکل مربع، چندضلعی منتظم یا ستاره‌ای و دایره می‌باشد در خاک ایران بخصوص تاجیه شمال زیاد دیده می‌شود. گند این بناها معمولاً هرمی با نشست مربع، چندضلعی منتظم و یا مخروطی است.



عکس از قسمتهای مختلف گنبد قابوس



QUELQUES VUES DES DIFFÉRENTES PARTIES EXTÉRIEURES DU MONUMENT
"GONBADE GHABOUSSE"

چنین بنظر میرسد که گنبد هرمی ابتدائی ترین شکل گنبد باشد و چون این گنبد شکل چادر دارد، سبک این نوع ساختمان گنبدرا چادری نامیده‌اند، و این عقیده برخی از محققین است که چون پیشتر این بناها مقبره هستند شباht بین چادری که انسان در آن زندگی میکرده و مقبره وی بعداً هرگش مورد علاقه او بوده است.

بنا بر گفته مهندس احمد حامی: «از لحاظ آسانی ساختمان و افزودن دهانه نشست، هرم از سه بر به چهار بر و سرانجام بدایل یافته است و گنبد هرمی به مخروطی تبدیل شده است. در این تکامل گنبد هائی بادهانه تنگ ولی بلند دیده میشود. همینکه ساختن گندهایی با دهانه گشاد آغاز شده برای آنکه بلندی مخروط زیاد نشود بر بدنه مخروط بسمت خارج شکم داده‌اند. کامل شده این شکل را در گندهای دوره سلجوقی میتوان دید.»

گنبد دو پوششی که نمونه‌هایی از آنرا در مقابر بر جی میبینیم در مطالعه گنبدبخش پر اهمیتی را در بر میگیرد و میتوان گفت که اختراع آن نقطه عطفی در مسیر تکامل گنبد به حساب می‌آید.

گنبد دوپوشی، یکی از لحاظ دید انسان است باین معنی که ارتفاع گنبد و ساقه‌ی آن طوری انتخاب میشده که متناسب با سایر قسمت‌های بنا بوده و از خارج دید خوب داشته باشد و به چشم ناظر خوش باید و در حالت منفرد و مجزا برای نمونه در گنبدقاپوس که یک پوششی است تناسب بین بدنه و مخروط گنبد مورد نظر بوده است ولی در داخل و زیر گنبد بخصوص در مقابر بر جی که ارتفاع گنبد زیاد است چون حالت خواهد بود و کم خیز بالا به چشم خوش آیند تراست گنبد دوپوشی معمول گردیده است. از طرفی، چون گنبد بر بدنه و با ساقه‌ی استوانه‌ای بنا میشده برای آنکه دهانه استوانه تحمل فشار افقی را داشته باشد پوشش داخلی معمول شد و مقاومت گنبد با وجود دو پوشش بمراتب پیشتر گردید.

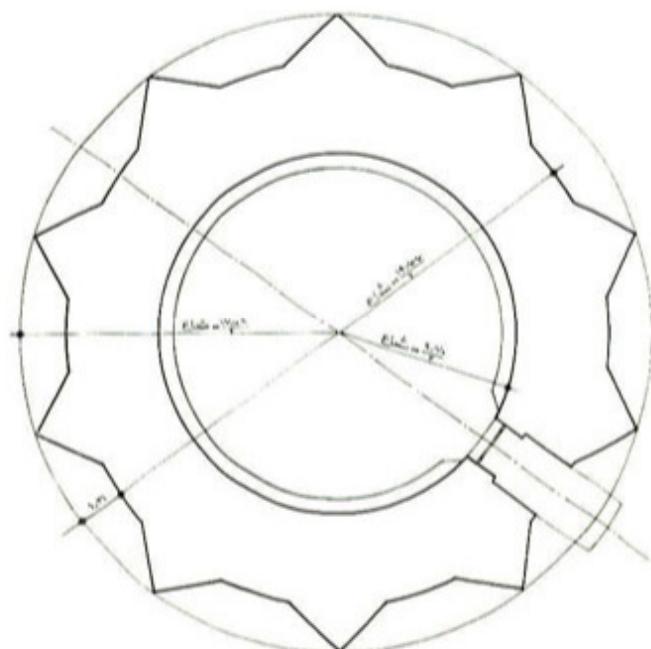
گنبد قاپوس یک پوششی است و قسمتی از کلفتی زیر رأس مخروط که در مقطع بچشم میخورد احساس میشود که خالی و پاپوک باشد یعنی بین آجرها هنگام چیدن فضای خالی باقی گذارده باشند.

کتیبه‌های بنا

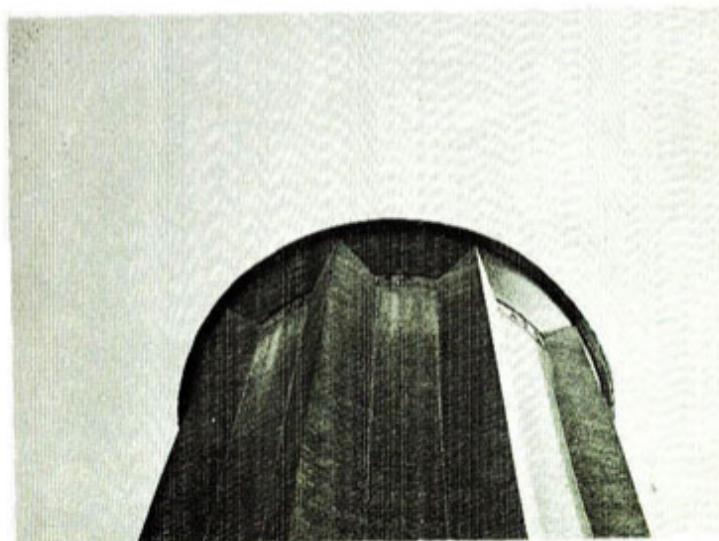
کتیبه‌ها در دو رشته یکی ۸ متر بالای سطح زمین و دیگر زیر طره پیش آمده بالا قرار دارد. نوع نوشته‌کویی کتیبه‌ها ساده است حروف آن آرایشی ندارد. بر جسته و خوانا میباشند و حاشیه دور آنها قاب مستطیل شکلی است از آجر.

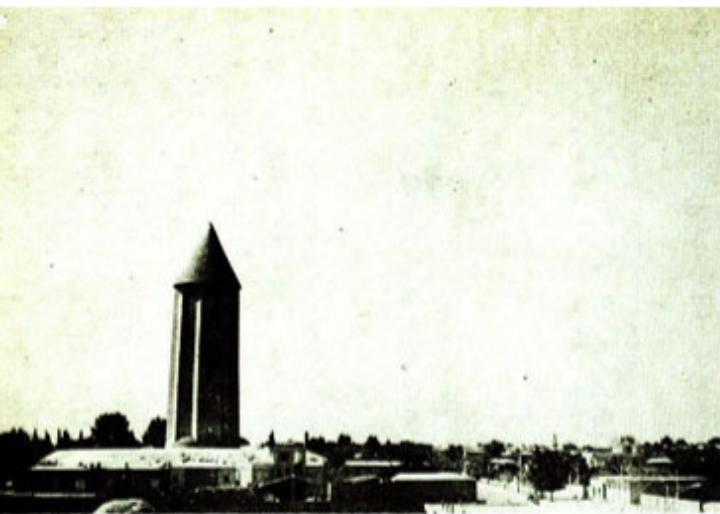
متن کتیبه‌های بنا چنین است:

- ۱- بسم الله الرحمن الرحيم
(بنام خداوند بخشندۀ مهر بان)
- ۲- هذا القصر العالى
(این است کاخ عالی)
- ۳- الامير شمس المعالى
(امیر شمس معالی)
- ۴- الامير ابراهيم امير
(امیر فرزند امیر)
- ۵- قاپوس ابن و شمگیر
(قاپوس فرزند و شمگیر)
- ۶- أمر به بنائه في حياته
(فرمان داد به بنای آن در زندگی خویش)
- ۷- سنة سبع و تسعين
(سال سیصد و نود و هفت قمری)
- ۸- و ثلثمائة قمرية
(وسال سیصد و هفتاد و پنج شمسی)
- ۹- و سنه خمس و سبعين
(وسال سیصد و هشتاد و پنج شمسی)
- ۱۰- و ثلاثة مائة شمسية
(وسال سیصد و هشتاد و پنج شمسی)



ترسیم شماره (۱) Dessin No. 1





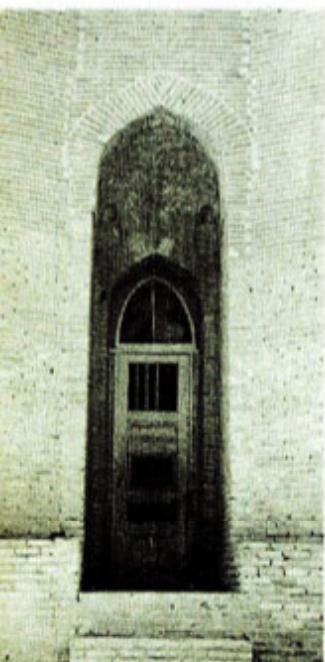
دور نمای گنبد قابوس



آجر کاری فرمت پائین برج

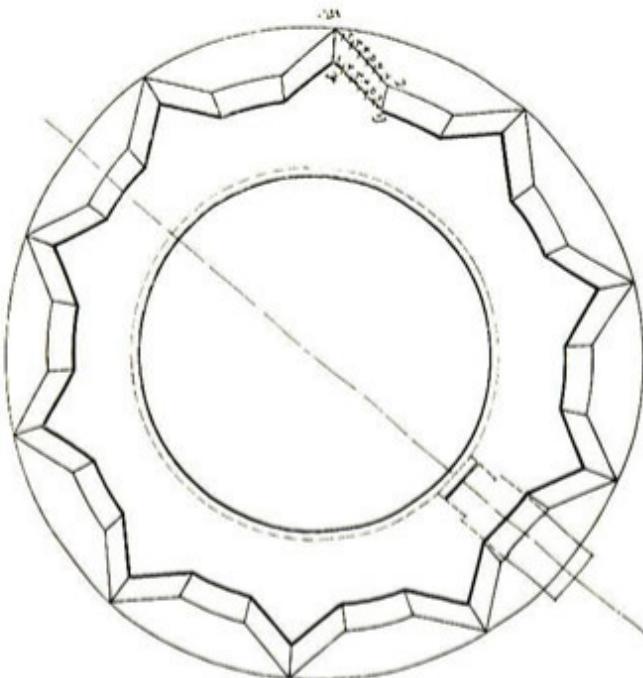


ورودی گنبد



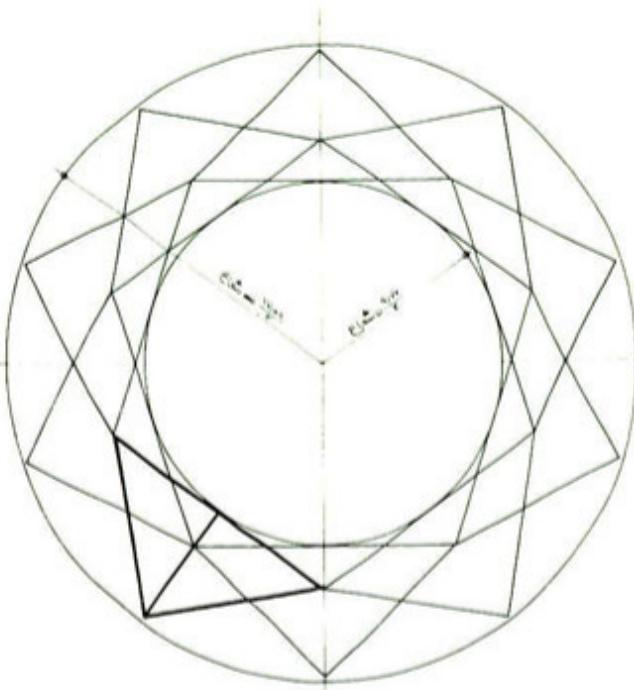
گنبد قابوس

آندره گدار مینویسد: «...کتبه‌های بنا با موقیت کمتری قرار گرفته‌اند، حروف کوفی دارای حجم مناسب و روشنی و برجستگی کافی و شکل قابل قبول می‌باشند و نزینی هستند». اما واضح است که قابوس آرزویش در داشتن یک بنای عظیم و جاودانی این بوده که کتبه برج نیز مانند بقیه بنا بهجای اینکه از گچ کنده شود مانند برج غربی را دکان که تقریباً همزمان با گنبد قابوس است از آجر باشد. و این نیز بدینه است که ساختن برج قابوس نخستین تجربه معمار آن بوده است. درنتیجه در این مورد خام دستی و بی‌مهارتی وجود دارد که نسبتاً ناچیر مجموعه را برهم می‌زنند. درواقع شاید این نقص در اصل قابل رؤیت نباشد. هم برای خوانا نمودن متن کتبه و هم برای پنهان کردن معایب حروف آنها با روکشی از گچ پوشانده شده، هرچند که معمار بنا میدانسته که این روکش زود ازین می‌رود بیشتر حروف اندود خود را از دست داده‌اند. خطوط مستقیم با آجرهای مخصوصی که یکطریشان گرد شده است ساخته شده‌اند - خطوط منحنی نسبتاً از روی خامادستی تراشیده شده‌اند. و در محلیکه شب محو می‌شود حالت راست‌گوش دارند. طبیعتاً ترکیب این دو فرم نامتشابه و خام جلوه می‌کند و بطرز غربی ابتدائی مینماید اما این حالت توسط گچ تعمیر و اصلاح شده است دستخط، نظر نموده‌ای که در این زمان در خراسان متداول بوده خوب در هم باقته و گل انداخته نشده است. ولی نوشته با سختی بنا، سازگار و هم آهنگ است و نتیجه منطقی متوسطی را در بردارد.»



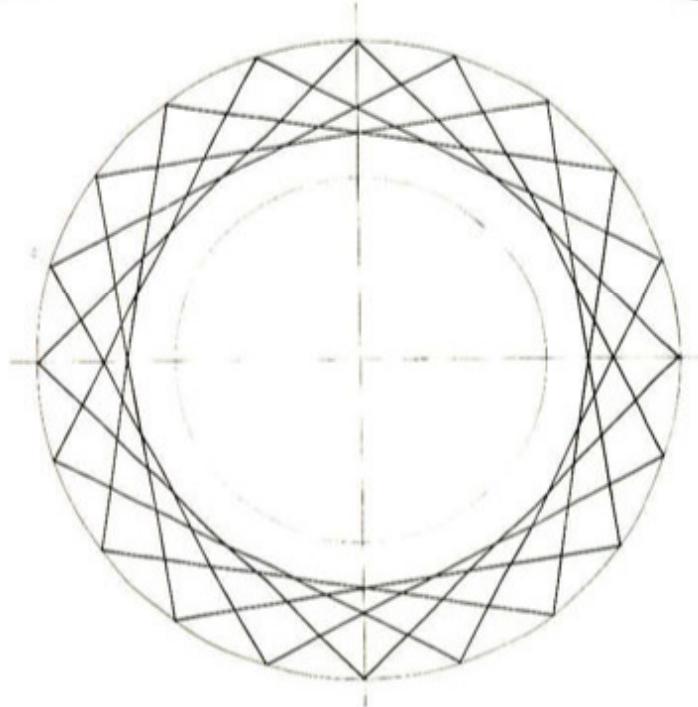
ترسیم شماره (۳)

Dessin No. 3



ترسیم شماره (۲)

Dessin No. 2



ترسیم شماره (۴)

Dessin No. 4

بررسی قرار داده اند تصور نموده اند که کتیبه کنونی متعلق بزمان اصلی ساختمان آرامگاه نمیباشد و عده ای براین تصور این نکته را هم اضافه نموده اند که کتیبه تاریخی ده پشتند آرامگاه دارای روکش ساروجی بوده که بمرور زمان ریخته و فاسد شده است و یا هنوز هم در روی بعضی از کلمات کتیبه که کمتر در مقابل باران و آفات واقع شده ساروجی وجود دارد. لیکن با دقت و بررسی کافی و ممتدی که درباره این بنا شده است خالی از حقیقت بودن دو تصور بالا ثابت گردیده، در مرتبه اول کتیبه کنونی متعلق به زمان بنا بوده است و بعلاوه دارای هیچگونه روکش ساروجی و یا روکش دیگری که موجب آن گردد نبوده و حتی علائمی هم در این زمینه دیده نمیشود.

اندودی که آندره گدار روی کلمات و حروف کتیبه بدان اشاره میکند در حال حاضر در هیچ جای کتیبه ها پچشم نمیخورد و حتی اثری نیست که بتوان گفت ازین رفته است و معلوم نیست گدار با دقت خاصی که در کار بررسی داشته، چگونه اسمی از روکش گچی برده است.

نصرت الله مشکوکی مینویسد:

«садگی این کتیبه که عاری از هر گونه پیرایه و تزئیناتی است، میرساند که تنها منظور بانی استحکام بنا و عظمت پیکره آن بوده است و توجهی به آرایش و تزئین آن نشده است. خطوط کتیبه پسا آجر ساده فرمز که روی آن سائیده شده بدون هیچگرنه روکشی در درون قابهای آجری که با آجر نیمگرد ساخته اند جای گرفته است. خطوط کوفی ساده این کتیبه دارای بر جستگی بوده و در عین حال دارای یک نوع ظرافت تراش و زیانی متناسبی میباشد که از هر جهت با هیأت ساختمان عظیم آرامگاه متناسب بوده و مقایسه که برای تراش کلمات کتیبه بکار برده اند دارای تناسب کامل با عظمت ساختمان است... تکرار در ذیر طره سبب شده که پس از خراصی یک بند کتیبه از پند مکرر آن استفاده شود و بدین ترتیب برای همیشه متن کتیبه تاریخی پاس مکرر بودن آن حفظ و مخصوص میباشد. برخی از باستانشناسان که بنای گنبد قابوس را مورد

روزنامه

بررسی روزنامه بر طاقهای گندی بحثی است جداگانه، فقط درمواردی مانند گند قابوس که کاملاً فضای داخلی سته است و بجز در ورودی درپائین و روزنامه کوچکی در بالا منفذ دیگری نیست، باید متوجه بود که عمل روزنامه بالا هواکشی است و باید باز نگهداشته شود، متأسفانه گویا در تعمیرات گند بایسن توجه نشده و روزنامه بسته بنظر می‌آید، از طرفی درنتیجه بستن در ورودی و محبوس نمودن فضای را کد در اثر تغییرات درجه حرارت محیط و نبودن جریان هساوا لو بعقدر کم در داخل گند قسمتی از زیر گند از طریق عرق کردن دیوارهای داخلی خیس خورده است که اگر زودتر بدان توجه نشود بعده ملاحظه‌ای از عمر بنا خواهد کاست.

باز بودن روزنامه بطرف مشرق و آغاز متن کتیبه‌ها از همین طرف، یعنی فراردادن کتیبه اول با متن «بسم الله الرحمن الرحيم» بطرف مشرق و در امتداد پائین روزنامه درخور تعمق است. در حالیکه کتیبه دوم با متن «هذا القصر العالی» بالای ورودی واقع شده است.

نزئین سردر ورودی

دو رشتہ مقنس کاری طاق نیم گند بالای سردر ورودی را در تبدیل باصلاح راستگوش ممکن می‌سازد، این مقنس‌ها در عین سادگی در شمار نخستین مقنس کاریهایی است که در بنای ایرانی بعد از اسلام دیده می‌شود و در مطالعه این نوع نزئین درمعماری ایران اسلامی درخور اهمیت است.

مصالحه‌بان

گند قابوس سراسراز آجر ساخته شده است. استادی معمار بنا در خلق اثری که هم زیبا و هم مقاوم باشد و هرجزی از آن درحالیکه دلیل ساختمانی دارد بچشم نیز خوش باید از طرفی، آجرهای محکم و یکدست بنا با تاب زیاد و جنس ملات، بی محکم و عمیق، بدن کلفت با پشتندهای قوی سرانجام ایمان بکار، در طرح دیزی یک اثر پارحا و ماندنی از طرف دیگر، موجب بایداری شکفت انگیز این برج در برابر باد و باران، برف و یخ زدن و آفتاب سوزان و زلزله شده است. مصرف آجر بطرز چشمگیر در ساختمانهای با ارزش ایران باستان بچشم می‌خورد. پلهای پیشمار، مساجد بزرگ، کاروانسراها و برجهای متعدد نشانه‌هایی هستند از شیوه دقیق و درست بکار بردن این ماده با ارزش ساختمانی. گند قابوس نمونه ارزشمندی است که در آن فن آجر کاری به بهترین وجهی نمایان است. آجرهایی که در این بنا بکار رفته شکلشان معمولی و یکسان است و بجز آجرهایی که در بدن گند مخروطی مورد استفاده واقع شده همه آجر معمولی است و فقط اندک تفاوتی از لحاظ اندازه در برخی مشاهده می‌شود. آجرها خوب پخته شده‌اند و بملات خوب چسبیده‌اند و سخت، توپر و یکپارچه‌اند و اینها از خواص آجرخوب است که تاب زیاد دارد و در برابر نفوذ آب و یخ زدن بایدار است.

جزء دومی که مورد بحث قرار می‌گیرد روزنامه‌ای است بر گند مخروطی که بطرف مشرق تعییه شده است. این تنها منفذی است که از آن نور ضعیفی به زیر گند مخروطی میرسد. بکمال این نور دیدن طاق گند امکان پذیر نیست فقط سحر گاهان که خورشید طلوع می‌کند، لکه‌ای نورانی که از روزنامه بطراف گند می‌افتد بهتر از هر وقت دیگر اجازه میدهد که بالا دیده شود.

نظر گذار، در باره روزنامه چنین است: روزنامه کوچکی در جای شرقی گند تعییه گردیده بدون شک این روزنامه برای کارگرها و حمل مصالح ساختمانی هنگامیکه خود گند در دست ساختمان بسوه مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما این روزنامه میتوانست در آخرین دقایق موقعیکه قسمت خارجی گند چیده شد گرفته شود، در این صورت آخرین کارگر به آسانی میتوانست خارج شود. ولی این روزنامه نه تنها باز نگهداشته شده بلکه بدقت ساخته و پرداخته گردیده و این نشان میدهد که در مورد آن هدف دیگری دنبال می‌شده است. شاید باست دیرینه ایجاد منفذ بر بدن چادر برای دخول اشعه خورشید بی ارتباط نبوده است. قابوس بسیار شک تصویر کرده است که کالبد وی باید در معرض نخستین شعاعهای آفتاب سحر گاهان قرار گیرد. این موضوع دلیل قرار گرفتن روزنامه را بطرف مشرق روش مینماید که دلیل دیگری نمیتوان برایش آورد.

این روزنامه که طاق آن از دو طرف (خارجی و داخلی) با آجرهای مخصوص قالبی که برای زدن طاق چشم ساخته شده، پذرزای دو متر تمام و بهنای ۷۴، ۷۸ و ۸۰ سانتیمتر است (هر قلندر از پائین روپالا می‌رود از پهنه کاسته می‌شود). کف آن با آجر ساده بزرگ فرش شده و روی بدن دیوارهای روزنامه و بر روی سقف آن انودی از گچ و خاک که شاید بر نگ آبی نزئین شده بقطور یک الی شش سانتیمتر (اندود چشم طاق) موجود است. ضمناً از فاصله ماین تیزه عقب روزنامه (وصل به بدن داخلي گند) و تیزه خارجی گند که دو متر و ده تا دو متر و پنجاه و پنج از بالا تا پائین قطعه دارد میتوان پسخامت و قطر قسمت سفلی و علیای گند مخروطی بی برد و تها از همین روزنامه شرقی است که روشانی درون گند تأمین می‌شود.

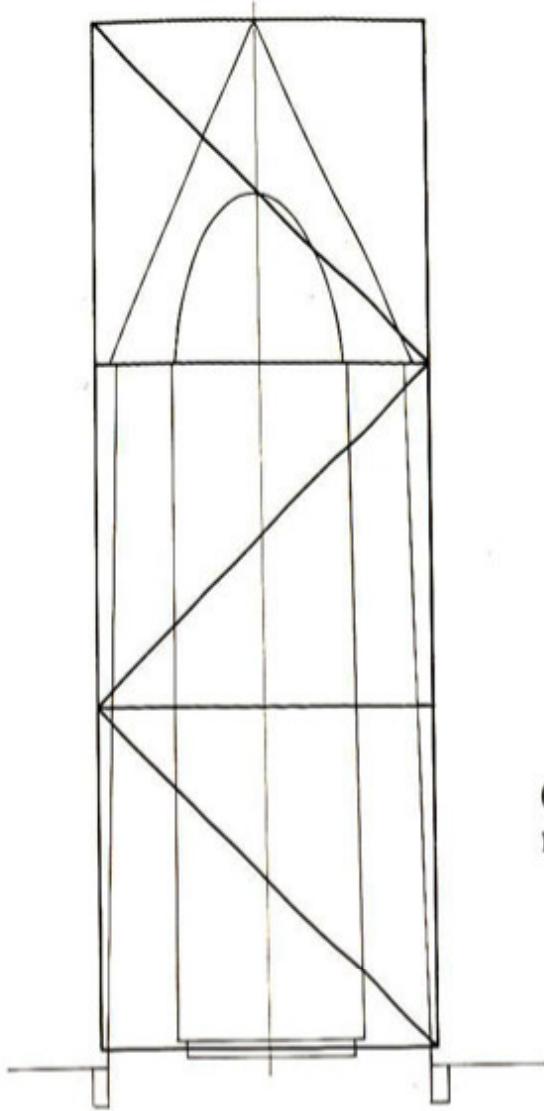
بر بدن گند در معماری ایران روزنامه می‌گذاشته‌اند بعدها که

شکل گند کاملتر شد روزنامه را در ساقه گند تعییه نموده‌اند. مهمترین

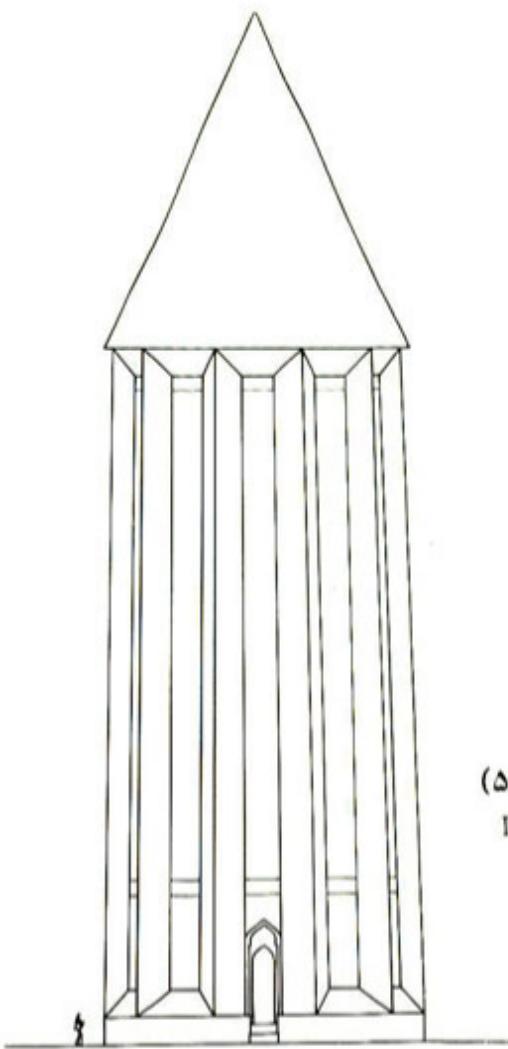
عملی که روزنامه انجام میداده است هوایی و روشنی رسانی بعزم گند

بوده است.

در گند قابوس روزنامه بر بدن گند به نسبت تقریباً یک برابر از قاعده و سه برابر رأس مخروط گند قرار گرفته است. چون از روزنامه‌هایی که بر بام گند تعییه می‌شده برف و باران بداخل می‌بارد، در نمونه‌های پیش‌رفته روزنامه را بر ساقه گند مینهاده‌اند. برای نمونه در برج رادکان گرگان که بعد از گند قابوس و بفاصله کمی از آن ساخته شده روزنامه را بر بدن گند قرار داده‌اند.



ترسیم شماره (۶)



رسیم شماره (۵)

سقف با آجرهای مخصوص ریشه‌دار میباشد در طرز ساختمان ذیر پدنه مخروط و آجرچینی آن دقت مخصوصی بکاررفته است که در زیر گالوئی هر کدام از ریشه‌آجر بازودار پنج الی شش عدد آجر که پهنا، درازا و قطر آن 25×25 و ۶ سانتی‌متر است قرار داده شده و این آجرها بر روی هم بواسطه ملات گچ متصل گردیده است. بعداً آجر ریشه‌دار را بر روی آن استوار ساخته‌اند.

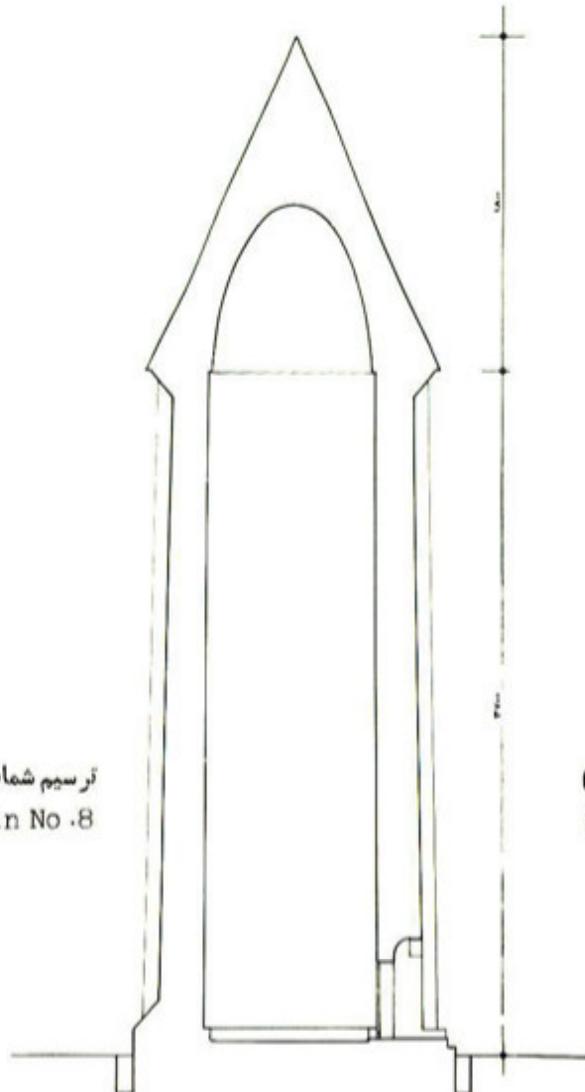
آندره گدار مینویسد:

«... خیلی مشکل است که یک سطح مخروطی را با آجر و پاندازه های تقریباً یکسان طوری که سزاوار این چنین بنانی است پوشانیم. لذا معمار آجرهای کافی با شکل بخصوصی که بتواند تمام سقف را پوشاند، داشته است. با متریب منطقی مخروطی است نهرمی که حتی در مقابل آفتاب سوزان تاب برنداشته است، اتصالهای نامحسوس دارد و بقدرتی سخت است که به جزاین که بطورفرض با نازنگی های روسها صدمه دیده است، علیرغم پرندگانی که همواره کوشش داشته اند در طول ۹۰۰ سال بران بچسبند بقدرتی صاف باقیمانده است مثل اینکه از یک قطعه بزرگ تراشیده و صیقلی شده است. مسلمان از نقطه نظر فن ساختمان قسمت مخروطی زیباترین قسمت برج میباشد آجرها در مقابل شیب تند با ملات سختی مسلح شده اند.»

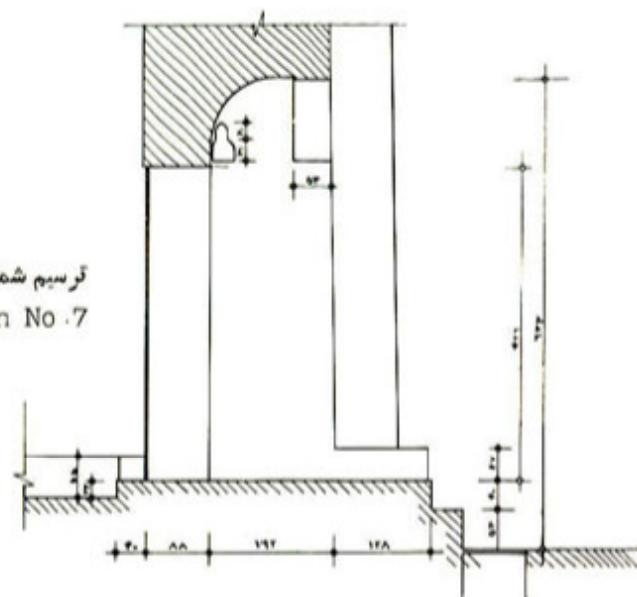
ملات - در بدنه برج حد متوسط کلفتی بندکشی ۲ سانتیمتر و لی در پایین تا ۲/۸ سانتیمتر تغییر میکند و در بعضی نقاط به ۴ الی ۶ سانتیمتر میرسد.

آفای مشکوتی مینویسد: «...اين آجرها پيشتر بشكل مربع $25 \times 25 \times 6$ سانتيمتر و گاهی اخلاع آنها از بيت و سه تا بيت و پنج و قطر آن از ۵ الى ۶ سانتيمتر مقاومت وزیاد و کم میشود و از نظر همواری و صافی و رنگ تماماً يكسان بوده و مهارت متصدیان کادر را میرساند....آجرهای بدنه مخروطی دارای قالب و شکل مخصوص میباشد که با صلح محلی آجر بازدار، یا ریشه دار نسامیده میشود. این آجرها بتفاوت دارای ریشه های مختلف و بدنه های مقاوم است و هر قدر از پائین روی سالا مبرود به نسبت خاصی از زیادی ریشه و پهنا و درازی بدنه آن کسر میشود تا اینکه بفراز مخروط میرسد. ریشه آجرهای بالای طره و شروع قاعده مخروط پنجاه الى چهل هشت سانتيمتر میباشد. بدنه آجر آنها که روی مخروط را پوشانیده به درازای سی و پنج و پهناي ۲۵ سانتيمتر و بهمين ترتیب در اواسط بدنه مخروط ریشه آجرها به چهل، سی و شش و بیست و نه سانتيمتر تخفیف پیدا نموده است. بدنه آنها هم که قسمت وسطی مخروط را پوشانیده بصورت مربع درآمده و هر کدام به اضلاع 25×30 سانتيمتر میرسد، سپس از ارتفاع سه الى دو مرتب و نیم مانده بفراز مخروط، از ریشه آجرهای رأس مخروط به بیست و هشت الى بیست سانتيمتر رسیده، درازا و پهناي آجرهای روی مخروط به نوزده الى ده سانتيمتر متهی میشود، تا آنکه در فراز گبد یک آجر نوک تیز بايان می یابد. بدین ترتیب چون نوع پوشش مخروط

ترسیم شماره (۸)
Dessin No. 8



ترسیم شماره (۷)
Dossin No. 7



ملات آن بحث شده است حتی گفته شده که مرمره بمنظر میرسد، اما آن ملات ساده‌ای است که در منطقه ایران ساروج نامیده می‌شود و از آهک، ماسه و خاکستری که از تون حمام بدست آمده تهیه شده است.

اصول و تناسب هندسی گنبد قابوس

از نوشهای قدیمی چنین بر می‌آید که برای ساختمان کردن از ترسیمات و طرحهایی که قبل از تهیه می‌شده استفاده مینموده‌اند و درباره فن ساختمان و ریزه‌کاریهای بنائی و جزئیات پیشرفت بنا و نوشتهای طرح ریزی شده نوشته‌هایی وجود داشته که متأسفانه بیشتر آنها از بن رفته است. با وجود این در لایلای کتب قدیمی به مطالعی در این مورد میتوان برخورزد.

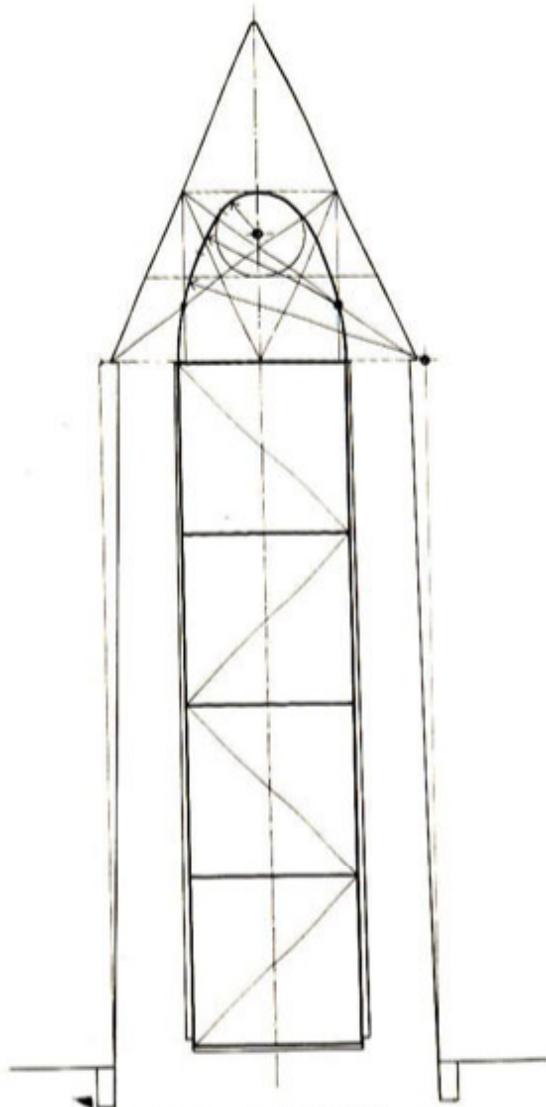
«ابن خلدون تویسنه مشهور شمال افریقا درربع آخر قرون چهاردهم می‌گوید که اطلاع بر مسائل هندسه برای معمار از واجبات بشمار می‌آید و آشنا نی با مقاطع مخروطی در هنرهای علمی مانند تجارتی و معماري مورد استفاده است، و برای بوجود آوردن اشکال کامل که پس از عمل با آنچه که در ذهن متصور می‌شود مطابقت داشته باشد باید از قوانین تناسب اطلاع داشت. از این منابع چنین میتوان نتیجه گرفت که آزمایشگاه دقیق ساختمان‌های این قرون ممکن است آشکار سازد که تناسبهای هندسی در نقشه و مقطع عرضی و مقطع عمودی اینه وجود دارد.»

درخصوص ترکیب ملات گنبد قابوس بحث بسیار شده است و اختلاف عقایدی در اینمورد وجود دارد. در هر صورت این مقاله شاید بسادگی با تجزیه قسمتی از آن در آزمایشگاه روشن شود. بعضی از کارشناسان آنرا ساروج میدانند. این ملات در قدیم مصرف فراوان داشته و در آن دور آب ابیار، حوض، خزینه، حمام وغیره مورد استفاده واقع می‌شد. هنوز هم در بعضی از روستاهای استفاده می‌شود، یک نمونه را من هنگامی که تون حمامی را در قریه عین آباد، در جزین همدان تعمیر میکردند دیدم. معمار دستور داد که از آشنازیان حمام خاکستر آوردن و بر احتی نسبتی از ماسه و خاکستر و آهک را گرفت و با هم مخلوط کرد و بدان لویی زد و با چوب به کوییدن و بهم زدن آن پرداخت، انگار که گرد زیلو میزداید.

مهندس احمد حامی می‌نویسد:

«ملات ساروج گندگیر است. آنرا ازورزدادن و کوییدن مخلوط کامل و همگن ۱۰ پیمانه گرد آهک شگفتۀ باضافه ۷ پیمانه خاکستر الکی باضافه یک پیمانه خاک رس، یک پیمانه ماسه بادی و ۳۰ تا ۵۰ کیلو گرم لوئی و آب می‌سازند. مخلوط کردن لویی (گل جگن) برای آنست که ملات ساروج پس از بمصرف رسیدن، هنگام گرفتن جمع نشود و نتر کند.»

از طرفی اظهار می‌شود که ملات بکار رفته در برج ممکن است گل آهک پاشد که بمرور زمان سنگ شده است گدار مینویسد: «در مورد



Dessin شماره (۹)

منابع:

- ۱- مقاله آندره گدار در کتاب: (جلد سوم) *A Survey Of Persian Art*
- ۲- سفرنامه راینسو، مازندران و استرآباد، مجموعه ایرانشناسی - بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- استرآباد نامه - پکوشش مسیح ذیبحی
- ۴- معماری اسلامی ایران - دوره ایلخانان (دونالدویلیر) ترجمه دکتر عبدالله فربار.
- ۵- استفاده از گفته‌ها و نوشه‌های استاد مهندس احمد حامی.
- ۶- مقاله نصرت‌الله مشکوکی در مجله هنر و مردم شماره ۵۱.
- ۷- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف میر سید ظهر الدین بن سید نصیر الدین مرعشی (۸۹۲-۸۱۵ق) به کوشش محمد حسین تسبیحی.
- ۸- قابوس‌نامه، سعید نقیبی.
- ۹- هنر ایران - نوشه آندره گدار ترجمه دکتر بهروز حبیبی.
- ۱۰- ایرانشهر جلد اول و دوم.
- ۱۱- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم - مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

در مورد تناسب هندسی در معماری ایران باید گفت که هنوز کاری اساسی انجام نشده است بجز دو سه مورد نسبت‌های طلائی شاهکارهای با ارزش در معماری ایران بر ما معلوم نیست - چهار طلاقی نیا سردد - نزدیکی کاشان از آثار اوائل دوره ساسانی در کتاب (هنر ایران نوشته گدار) و مقیره اسماعیل سامانی در بخارا در کتاب «Persian Architecture» از لحاظ تناسب هندسی مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالبی هم در سری مجموعه پوب و معماری اسلامی ایران بچشم میخورد که اهمیت هندسه و نسبت در معماری ایران را یادآور شده و به نسبت فواصل در بعضی از بنایها اشاره مینماید. «آن‌دام‌تعدد رشید‌الدین شامل کتابی بود تحت عنوان (کتاب الاحیاء والآثار). فصل پیشتر این کتاب مربوط بود به قواعد و اصولی که در ساختمان خانه و ابیه مقدس و قلعه و هر نوع ساختمان دیگر باید پیروی شود. فصل پیشتر و یکم کتاب حاوی اطلاعات مربوط باختن مقا بر بود. متأسفانه از این کتاب حتی یک نسخه هم باقی نمانده است و یهیچ‌گونه اثر دیگری مشابه آن و درباره این موضوع وجود ندارد.» هدف ما در اینجا گذشته از بررسی گبند قابوس و مطریح نمودن نظرات مختلف از قلم دانشمندان ایرانی و خارجی، روشن کردن تابعیات هندسی گبند بوده است. ابتدا بی‌بردن بمقطع و ترسیم آن مطریح گردید که بزمخت از روی اندازه‌هایی که منابع موجود بدست میداد و بازرسی دقیق بنا و اندازه‌برداری از ارتفاعاتی که دسترسی بدان ساده بود، ممکن شد. سپس روش نمودن تابعیات هندسی با کوشش فراوان بصورتی که شرح آن در زیر آمده و ترسیم شده، عملی می‌گردید - ترسیمات این نوشته که مربوط به نسبت‌های هندسی نقشه، نما و مقطع گبند قابوس میشود، نکات زیرا روشن مینماید:

۱- در نقشه بنا (ترسیم ۲)

اندازه کلیت ترین قسمت یعنی بدنه و ترک بر روی هم برابر با ارتفاع مثلث قائم الزاویه متساوی الساقین است که بر روی ضلع پنج ضلعی منتظم محیطی دایره داخلی با قطر $9/70$ متر ساخته شود.

(۲) چون زاویه ترکها قائم است، لذا دیگر کشش قائمی که در نقشه بنا مشاهده میشود میتواند بکم پنج مربع محاطی در دایره خارجی با قطر $8/17$ متر مشخص گردد. (ترسیم ۳ و ۴)

(۳) نسبت بدنه برج به مخروط گبند در شکل خارجی دو به یک است. (ترسیم ۵ و ۶)

(۴) نسبت قطر دایره داخلی به ارتفاع قسمت بدنه در داخل برج یک به چهار است. در اینجا مخروط گبند به $4\frac{1}{3}$ مثلاً متساوی تجزیه شده است و سقف تخم‌مرغی یا مرغانه بوسیله سه قوس در هر طرف که 3 مرکز از یک طرف مشخص گردیده و در نقاط معینی قرار میگیرد ترسیم شده است. (ترسیم ۶ و ۷)

در ترسیم شماره ۴ تقسیم پندی الف - ب نشان دهنده تعداد آجرهای یک رویه ترک است. در مقطع افقی محل برخورد بدنه باطره زیرین، تقسیم پندی پ - ت نشان دهنده تعداد آجر است. در مقطع افقی محل برخورد بدنه باطره بالا، اختلاف یک آجر باعث میشود که نقطه ب در بالا نسبت به نقطه الف در پائین تقریباً $8/0$ سانتی‌متر بطرف مرکز توپشید. از همین راه شبیه ملایم بدنه و ترک را در تما و مقطع میتوان بdest آورد. در این ترسیم دایره خط چین قسمت داخلی برج در پائین با قطر $9/70$ متر است و دایره داخلی که بر است به مقطع افقی که از خط پ - ت میگذرد مربوط میشود.

ا خ ب د ا :

د خالت در ساختمان‌های شهری

از طرف آقای سیحون بعرض علیا حضرت رسید در حال حاضر بعضی از شهرها که فقد طرح جامع اند از لحاظ عمرانی اوضاع نابسامانی دارند و استانداران و فرمانداران باید عمران شهرها را با رعایت اسلوب معماری قدیمی و اصیل ایران و براساس ضوابط و معیارهای خاص معماری برحله اجرا در آورند در غیر این صورت معماری ایران پیش از پیش از مسیر اصلی خود منحرف خواهد شد.

در شرکای مذکور مسئلله تغییر چهره خانه‌های شمالی ایران نیز مطرح شد و علیا حضرت شهبانو با توجه باین امر که در منطقه شمالی بسیاری از خانه‌ها بهجای سفال یا گالی پوش باحلب بصورت شیروانی پوشیده‌اند، مقرر فرمودند که استفاده از گالی پوش یا سفال در خانه‌های شمالی کشور بایدادامه باید تا سیماهی اصیل منطقه شمال حفظ گردد.

سپس از علیا حضرت شهبانو استدعا شد که انجمن آرشیتکتهای ایران برای برقراری یک نظام منطقی در عمران شهرها، در نحو، شکل پذیری معماری مملکت با تصویب مقررات خاصی، از طرف انجمن‌های شهر و شهرداریها مشارکت مؤثر داشته باشد و نیز با تصویب آئین نامه مربوط با مصادیق این نقشه‌های ساختمان از طریق انجمن‌های شهر و شهرداریها سهم واقعی خود را بدست آورد.

علاوه بر مستدعیات بالا، از پیشگاه علیا حضرت شهبانو استدعا شد که انجمن آرشیتکتهای ایران از طریق مراجعت قانونی بر سمیت شناخته شود و نیز طریقهای استثنایی و خاص کشور از طریق انجمن آرشیتکتهای ایران به کنکور گذاشته شود.



دسترسی مفروض بصرفه است. و شرایطی بوجود می‌آورد که در مقابل تغییر آب و هوا مصنوبت پیشتر ایجاد شود. خالکردس که خشت خام با آن ساخته می‌شود در بر ابر باران و عوامل دیگر طبیعی مقاومت زیادی دارد. بهلاوه وسیله‌ای است که باسانی و در محل ساختمان ساخته می‌شود.

امید است این کارشناسان طی ۶ روز فعالیت و بحث و گفتگوی خود باهیمت این عنصر ساختمانی قدیمی را شناسانند، و ارزش آنرا در مقابل مصالح ساختمانی مدرن مانند سیمان، بتون و آهن و مصالح جدید دیگر تعیین نمایند. گزارش کاملی از فعالیت‌های اعضاء این مجمع در شماره آینده بنظر خوانندگان خواهد رسید.

قرار گرفت که در همین روز آقای امنی کندام کارشناس هلسندی درباره حفاظت خشت خام با سایل شیمانی و آقای مهندس پیر نیا درباره مجموعه‌های معماری کرمان سخنرانی نمودند. آثاری که در دهکده فهرج مورد بازدید قرار گرفت مربوط می‌شود به اوآخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی. یکی از این آثار مسجد جامع بکاد که در سال ۴۰ هجری ساخته شده و نشان دهنده تلقیق سبک معماري ساسانی و اسلامی است.

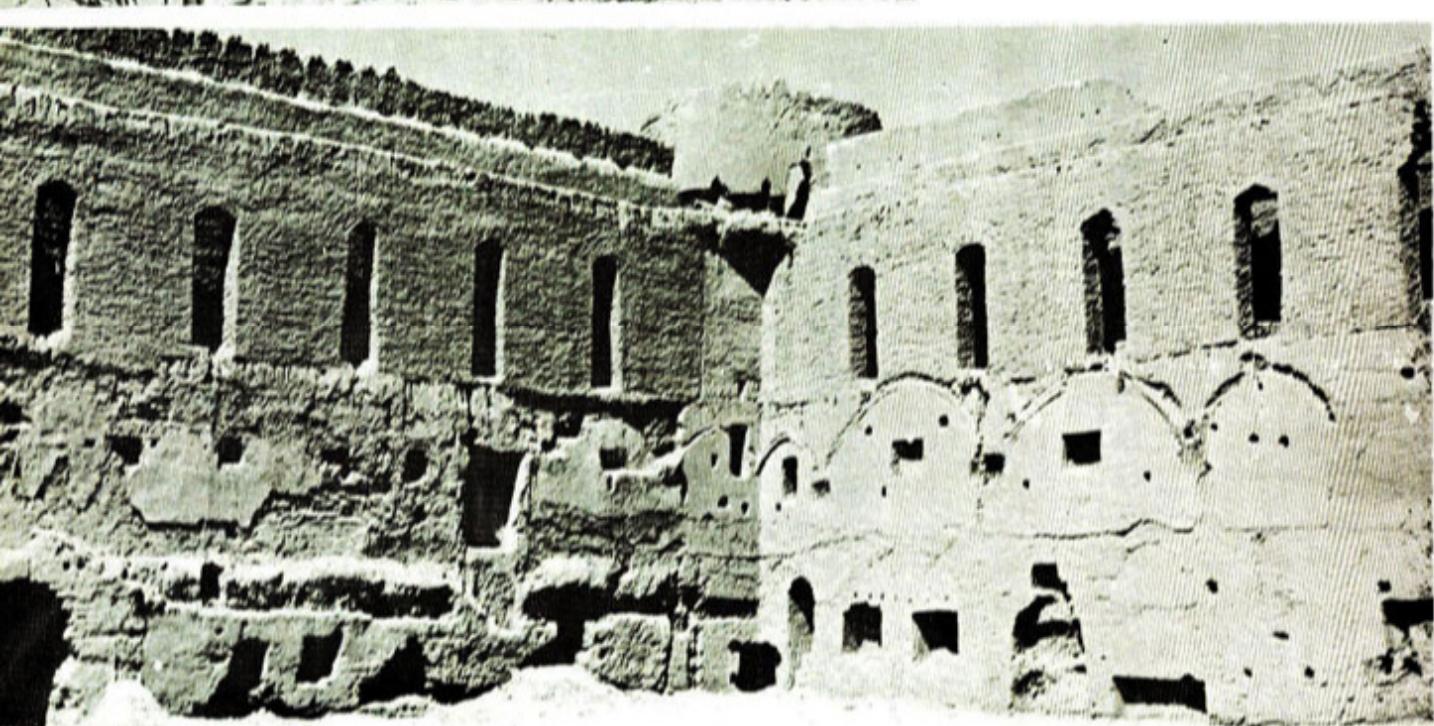
اصولاً خشت خام از سایلی است که از دوران بسیار دور بدلاً لایل فنی و تکنیکی مورد استفاده ایرانیان قرار گرفته است. در حال حاضر نیز بیشتر ساختمان‌های دهکده‌ای با خشت خام ساخته می‌شود. چون این وسیله بخصوص از لحاظ هزینه و

نخستین مجمع جهانی حفاظت خشت خام

روز چهارم آذر ماه امسال نخستین مجمع جهانی حفاظت خشت خام با شرکت پنجاه تن از بزرگترین کارشناسان معماری کشورهای جهان در یزد گشایش یافت. اولین جلسه این مجمع توسط آقای گازولا رئیس شورای بین‌المللی ایکوموز افتتاح شد و در این جلسه آقای محسن فروغی بسم رئیس مجمع و آقای فیروز باقر زاده بسم مدیر هیئت تحریریه انتخاب شدند.

اولین محل بازدید شرکت کنندگان مجمع جهانی حفاظت خشت خام، قسمتی از نقاط باستانی و تاریخی شهر یزد بود و روز بعد دهکده فهرج واقع در ۳۰ کیلومتری شمال شرقی یزد مورد بازدید

أخبار:



خبر: اخبار

مجتمع آموزشی کشور در جنوب شهر تهران
 در محل یساخچی آباد واقع در جنوبی ترین نقطه شهر تهران جدیدترین مجتمع آموزشی کشور در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت فرج بهلوی گشایش یافت. این مجتمع دارای: دو کودکستان، دو دبستان، یک مدرسه راهنمائی تحصیلی و دو دبیرستان می باشد. این مدارس مجهز به یک کتابخانه، تالار اجتماعات، بهداری و خدمات اجتماعی، دو آزمایشگاه فیزیک، دو آزمایشگاه شیمی یک آزمایشگاه علوم طبیعی، یک کارگاه آموزش زبان خارجی، دو سالن غذاخوری و یک آشپزخانه مجهز و زمینهای متعدد برای ورزش می باشد.
 این مجتمع برای نه هزار دانش آموز ساخته شده است.

دوره مدیریت واحدهای مسکونی
 از ۲۷ آبان ماه ۱۳۵۱ دوره مدیریت واحدهای مسکونی توسط سازمان مسکن با همکاری سازمان ملل متعدد در تهران آغاز شد. این کنگره شامل ۲۱ جلسه بود که در آن درباره نیاز بعدی ریت واحدهای مسکونی، قوانین و آئین نامه های مربوطه، هدفها و عملکردهای مدیریت مسکن، وظایف و مسئولیت های مدیر در مقابل امور مالی و سایر موضوعات مربوط بعدی ریت بحث شد، در جلسه نهایی لزوم طرح یک سیستم برای مدیریت مورد مذکوره قرار گرفت. این کنگره در ۱۴ آذرماه پایان یافت.

کارو قازاریان
 در آذرماه سال ۱۳۵۰ از میان ما رفت. و یاد بود سالگرد در گذشت وی را دوستان و خانواده اش گرامی داشتند و گردهم جمع شدند و ما نیز در اینجا خاطری تجدید و بیادگاری پسروزه دپلم وی را تحت عنوان «کاخ موسیقی» در شماره بعد مجله هنر و معماری چاپ میکنیم.

است. از این مبلغ ۴/۲ میلیارد ریال سهم تهران ۲/۳ میلیارد ریال سهم شهر های بزرگ (آبادان، اصفهان، اهواز، تبریز، رشت، رضائیه، شیراز، قم، کرمانشاه، مشهد، همدان) و ۲/۲ میلیارد ریال متعلق به سایر مناطق شهری است.

طی همین سه ماه تعداد ۲۱۸۴۵ ساختمان جدید بازیمه پیش بینی شده ای معادل ۱۰/۷ میلیارد ریال در مناطق شهری کشور شروع شد. که از این ارقام ۲۵۸۷ ساختمان جدید با ۴/۶ میلیارد ریال هزینه پیش بینی شده سهم تهران و ۶۴۸۳ ساختمان جدید با ۲/۹ میلیارد ریال مربوط به شهر های بزرگ و بقیه مهندس ناصر بدیع دیر کل کنگره مساحت در نظر گرفته شده برای این ساختمان در حدود ۳/۵ میلیارد ریال است.

سمپوزیوم کنگره بین المللی معماری ایران

در شهریور ۴۹ نخستین کنگره بین المللی معماری باشرکت گروهی از بر جسته ترین معماران بین المللی از طرف علیا حضرت شهبانوی ایران در اصفهان گشایش یافت. این کنگره که تا ۲۸ شهریور ماه ۴۹ ادامه داشت قطعنامه ای صادر کرد که بر اساس آن مقدار گردیده همه ساله سمپوزیوم معماری در ایران تشکیل گردد.

در اجرای تصمیمات کنگره دومین سمپوزیوم معماری ایران در دیماه سال جاری برگزار خواهد شد. از طرف آقای مهندس ناصر بدیع دیر کل کنگره بین المللی معماران موضوع این سمپوزیوم (معماران امروز ایران) تعیین واعلام شده که در رابطه با:

- ۱- پیشرفت تکنولوژی
- ۲- مسائل شهرسازی
- ۳- سیاست مسکن

مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و از گروهی از آرشیتکتها کشور نیز دعوت بعمل آمده تانظرات و تجارب شخصی خود را در یکی از زمینه های فوق بصورت رسالت تهیه و بدیرخانه کنگره ارسال نمایند.

مجله هنر و معماری در شماره های ۶ و ۷ جریان و موضوعات کنگره بین المللی را همراه با مصاحبه هایی که انجام گرفته بتصویل چاپ نموده و در مورد سمپوزیوم مذکور نیز موقع اقدام خواهد نمود.

شهریور ماه ۱۳۵۱

در شهریور ماه ۱۳۵۱ شهرداری های نواحی مختلف تهران برای ۱۲۶۸ ساختمان جدید پر وانه صادر کردند ۴/۴٪ کاهش نسبت به شهریور ماه سال گذشته سطح کل زیر بنای سرای این ساختمانها رویهم ۴۲۲/۹ هزار متر مربع در نظر گرفته شده است.

در همین ماه برای ۱۳۰۳ ساختمان جدید بوسیله شهرداری های شهر های بزرگ کشور پر وانه صادر شده که سطح کل زیر بنای در نظر گرفته شده برای این این ساختمانها رویهم ۲۰۳/۳ هزار متر مربع است.

تعداد پر وانه صادر شده در تهران بزرگ طی شش ماه اول ۱۳۵۱-۱۰۵۲۰ بود که نسبت به رقم مشابه در شش ماهه اول ۱۳۵۰ ۱۶/۲ درصد افزایش دارد. در شش ماهه اول سال جاری شهرداری های سه شهر، مشهد، شیراز، اهواز بترتیب: با صدور ۳۵/۷ در صد ۱۳/۵ در صد و ۱۰/۲ در صد از کل پر وانه های صادر شده در شهر های بزرگ از نظر تعداد پر وانه های صادر شده در رتبه اول تا سوم قرار داشتند.

بررسی آماری فعالیت های ساختمانی بخش خصوصی در مناطق شهری کشور طی سه ماهه اول سال ۱۳۵۱

طبق گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی ایران در سه ماهه اول سال ۱۳۵۱ بخش خصوصی مبلغ ۸/۷ میلیارد ریال از ساختمان های جدید مناطق شهری کشور سرمایه گذاری کرد که بقیمت جاری ۱۲/۸ درصد از رقم مشابه سه ماهه اول سال ۱۳۵۰ بیشتر



نمایشگاهها:

نمایش آثار ویکتور وازارلی
مهرماه امسال نمایشگاهی از آثار
ویکتور وازارلی نقاش و طراح معروف
غرب در تالار قندیز تشکیل یافت. در
شماره گذشته مجله قسمتی از آثار
وزنده‌گی این هنرمند را چاپ نمودیم
اینک قسمتی از سخنان خود وی را که
در بروشور نمایشگاه آمده نقل می‌کنیم:
«ما تعادلی را که می‌خواست از
شهر بگیریزد دوباره به آن بازمی‌گردانیم،
نمونه انسان مبتکری که همیشه بیش می-
رود، فنون نوبن، شهرهای جدید، جاده-
های وسیع، اتومبیل... می‌آفریند. این
انسان حساب همه امور را نگاه نمیدارد
و لحظه‌ای فرا میرسد که آگاهی می‌باید
چاره‌ای برای خامنهای منتج از این
پویایی بیابد و خوشبختانه هنرمندی در
کارهست که بدان بیندیشد، راه حل‌هایی
پیدا کند و سنتزی مطرح سازد. هنرمند
پیکوئی شاعر بزرگ حقیقت است.»

در گالری مس

به مناسبت پنجمین جشن فرهنگ و هنر،
گالری مس آثار طراحی مرتضی راز فر
را پنمایش گذاشت. این نمایشگاه از
تاریخ ۲۱ آبانماه بعدت یکهفته ادامه
داشت.

نمایش آثار مصطفی اصلیر
خانه آفتاب، در آبانماه سال
جاری ۵۷ تابلو از آثار کنده کاری
و طراحی «مصطفی اصلیر» هنرمند ترک
را پنمایش گذاشت. مصطفی اصلیر در
سال ۱۹۲۶ در «قرچعلی» ترکیه متولد
شد و تحصیلات خود را در رشته‌های
طراحی و هنرهای گرافیک در آسکارا،
موبیخ و اشتوتگارت گذرانده است.
چندین نمایشگاه انفرادی و جمعی از
آثار وی در کشورهای مختلف جهان
برگزار شده و قسمتی از آثار وی نیز قلا
در نمایشگاه مشترک ایران - پاکستان -

ترکیه سال ۱۹۶۶ در تهران بنمایش
گذاشته شده بود.

مصطفی اصلیر فعلاً مدیر آکادمی
هنرهای عملی ترکیه است و بتدريس در
بخش طرح گرافیک در آکادمی مزبور
اشتغال دارد.

نمایشگاه هنر معاصر ایران
در حاشیه جشن فرهنگ و هنر،
آبانماه ۱۳۵۱، نمایشگاهی از آثار ۴۷
هنرمند معاصر، باهمکاری گالریهای هنری
تهران تشکیل شد. آثار این هنرمندان در
تالار موزه ایران باستان بنمایش گذاشته
شده بود.

مادرایک مصالح جدید

یک شرکت تولیدی در فرانسه برای او لین بار مصالح جدیدی را بنام «مادرای» در معرض تماشای خبرنگاران جراید قرار داد. این مصالح جدید یک پوشش مخصوص است بوزن سبک (۳۷۰ گرم در متر مربع) و حاضر برای استفاده به عرض ۱ مترا و سطخهای ۲ میلیمتر و مرکب از فیبر پولیستر با درجه عایق بودن و مقاومت شدید.

مادرای در برای حرارت ۱۵۰ درجه واسیدها و بازها و محلولهای ارگانیک مقاومت میکند و غیر قابل تغییر شکل میباشد. اما محنت عمده آن ضد صدا بودن و عایق بودن آن و قابلیت جذب ۵۰ درصد از انرژی صوتی میباشد همچنین قشری از هوادرجادار این مصالح جدید محبوب گردیده است (با ضریب هادی حرارت ۴۳٪ کیلو کالری ساعت در متر مربع) لازم بذکر است که مادرای طوری عمل آورده شده است که ضدگرد و خاک میباشد.

این مصالح موفقیت زیادی در ساختمنهای دفاتر و هتل کسب خواهد کرد.



استفاده از اسکاج تینت

مدتها بود که دانشمندان در صدد بودند اثرات مضره تشعشعات آفتاب را در اماکن مسکونی و منجمله دفاتر و کارخانه ها، و کلاسهای درس و رستورانها و بیمارستانها وغیره از میان برداشتند. برای مقابله با حرارت شدید اطاقها و خیرگی چشم ناشی از نور، ضعف دید و باختنگی رنگ تزئینات داخلی تنها از روشهای معمولی و آنهم بطور سطحی استفاده میشد و کارگذاشتند حضیر یا سایه بند مشکلاتی در برداشت و همین طور استفاده از شیشه های رنگی جهت مبارزه با خیرگی چشم کاری از پیش نمیرسد. معماری مدن که اغلب اوقات از وجود پنجره در ساختمانهای مرتفع استفاده میکند مستلزم روشنی بوده که امکان دهنده انعکاس شدید تشعشعان آفتاب بدون دخالت عایق کاری یا انحراف دید باشد. اسکاج تینت جوابگوی این احتیاج است. این ماده از عناصر ذیر ترکیب یافته است: یک پایه از جنس پولیستر- آلومینیوم تبخیر شده در خلاء - چسب.

عناصر اصلی عبارتند از فیلمهای A ۳۳ و A ۱۸ یعنی فیلمهای شفاف بر رنگ خاکستری آبی که روی شیشه پنجده که از صاف گذاشتند میشود. عناصر دیگری نظیر ۳۰ و ۵۰ W که فیلم هایی عایق و شفاف هستند نیز وجود دارد که امکان دید را از میان بر میدارند اما نور آفتاب را از خود عبور میدهند. این عناصر شامل یک سیستم چفت و بست دوطرفه است که میتواند روی اکثر شیشه های مصنوعی و پلاستیک نصب شود. دو فیلم جدید نیز مورد مطالعه بیشتری قرار گرفته است تا بتوان احتیاجات را در زمینه های مختلف رفع نمود. این فیلمها عبارتند از P ۱۸ و P ۳۳ که با فیلمهای A فرق دارند و دارای سیستم چفت و بست مضاعف میباشند. مزایای این فیلمها نسبت بفیلمهای A در این است که میتوان آنها را روی شیشه های مشجر و نیز روی بعضی پلاستیکها و شیشه های مصنوعی بکار بردن.



کامبیز درم بخش

آذرماه سال جاری نمایشگاهی از آثار کامبیز درم بخش، کاریکاتوریست هنرمند در تالار قندریز ترتیب یافت.

درم بخش باطری هایی که اینروزها از اورده مطبوعات پچاپ می رسد، نام آشنا ای است. در اینجا بهتر است چند جمله از توشه هایی درباره درم بخش را نقل کیم: «...کامبیز در آثاری که نمایشگاه حاضر بخشی از آن است، همواره از خط مسرزی عبور می کند. مردمین ظرافت و خشونت، خطی بین آنچه که بومی است و آنچه که می تواند جهانی باشد، خط بین هجو و مدارا...»

او با بندبازی از این مرز خطرنانگی گزند و حاصل کار خوشایند است و آگاهی دهنده. در این دنیا پر از تناقض، کامبیز نقاد غم انگیز می گستراند. او شادخواری حاکمان و فلاتک محاکومان، درهم آمیختگی آزمدنان و بی نیازان را بر احتی تصور می کند. داستانهای غریبی می گوید که درورای قهقهه، صدای هنر حقی می آید...»